

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

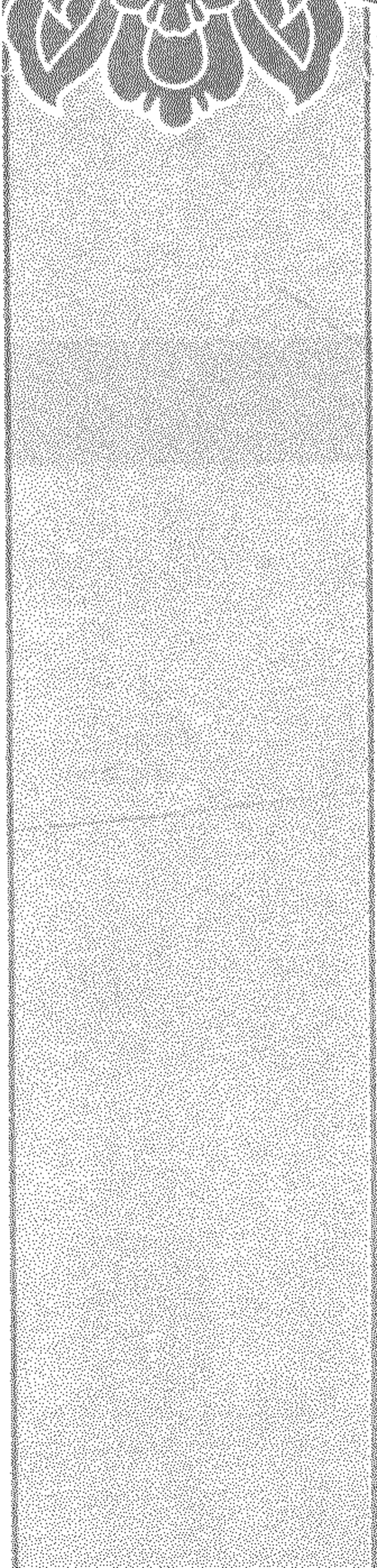
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجموعه مرزبانان ممدوی

آداب انتظار

دکتر عبدالحسین فخاری





سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک  
وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت  
شماره کتابشناسی ملی

: فخاری، عبدالحسین، ۱۳۳۶ -  
: آداب انتظار  
: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۴.  
: ۹۶ص: ۵/۹×۱۹س.م.  
: ۴-۴۷۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸  
: فیبای مختصر  
: این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>  
قابل دسترسی است.  
: ۳۷۷۲۶۷۹



منیر



نام کتاب: آداب انتظار  
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر  
فروست: مرزبانی مهدوی  
گردآورنده: دکتر عبدالحسین فخاری  
ویراستار: محمد گوگانی  
نوبت چاپ: اول  
سال چاپ: ۱۳۹۴  
شمارگان: ۲۰۰۰  
لیتوگرافی: سیب  
چاپ و صحافی: بهمن  
شابک: ۴-۴۷۷-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸

۹	زندگی با امام
۱۱	پیوند با او
۱۲	منتظر همچون پنجمین امام
۱۴	ستایش منتظران و هفتمین امام
۱۶	انتظار در نگاه نهمین امام
۱۸	سازمان نیت
۲۰	نماز با ولای او
۲۱	نماز رکن ایمان!
۲۲	پاره‌های پولاد
۲۴	جوان عاشق
۲۶	شوق یاوری
۲۷	تمرین استقامت
۲۹	اجتماع قلوب در وفای به عهد
۳۱	عهدی مجدد
۳۴	مأموریتی فراگیر و جهانی
۳۵	دور یا نزدیک
۳۷	متن یا حاشیه
۳۹	تمنای باران
۴۰	استغاثه
۴۱	فریادهای المستغاث
۴۵	ما و علائم ظهور
۴۶	تصاویر تاریخی انتظار
۴۸	منشور هوشیاری!
۴۹	عذر تقصیر به پیشگاه قطب‌زمان
۵۱	گشایشی نزدیک
۵۳	امین الله
۵۶	دعای فرَج
۵۸	بقیه‌الله ذخیره الاهی!
۶۰	داعی الله

۶۲	مدار الدهر و علم النور
۶۴	نور الاهی آغاز امامت امام زمان
۶۶	قله مهربانی
۶۸	قرائتی از "غائب"
۷۰	دوران امامتش
۷۲	شکوه سامرا
۷۳	زیارت و انتظار
۷۵	یازده سده
۷۷	اقتصاد و انتظار
۷۹	ورزش و انتظار
۸۱	هنر و انتظار
۸۲	مهاجرت و انتظار
۸۴	سفر و انتظار
۸۵	انتظار و ازدواج
۸۷	صادقان و انتظار
۸۹	صابران و انتظار
۹۲	غیبت و مسئولیت عالمان
۹۴	انتظار و مدیریت



## زندگی با امام

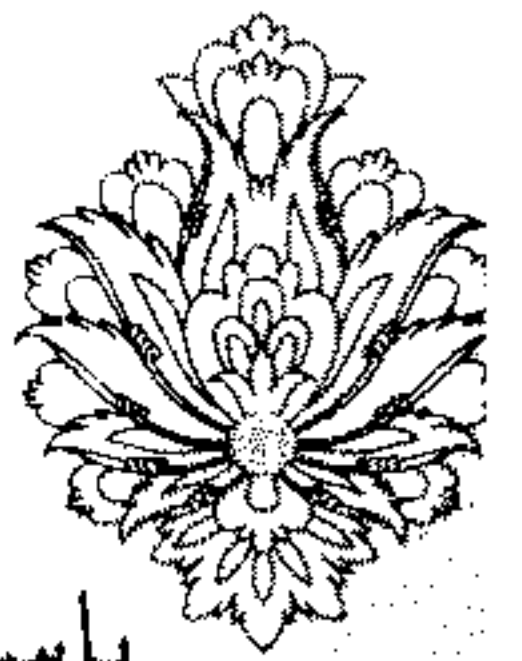
عرصه زمین و بازه زمان و پهنه زندگی انسان، لحظه‌ای از وجود حجت خدا خالی نخواهد ماند که اگر جز این شود زمین با اهلش نابود خواهند شد (لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا)...

- این روشن‌ترین شاخص قرائتی از دین است که منطبق بر آیات قرآنی و روایات نبوی است - پروردگار مهربان، نخواسته است که انسان لحظه‌ای از موهبت راهبری ربانی و حجتی الهی، محروم ماند.

این شد که از آغاز تا انجام تاریخ همواره حجت‌های الهی به نصب و تعیین او آمده‌اند و همراه انسان، هدایتش را عهده‌دار بوده‌اند تا نوبت به خاتم رسولان رسید که پس از آن بزرگوار با گشایش باب وصایت و امامت، رهبری الهی ادامه یافت و تا زمین و زمان باقی است ادامه خواهد داشت.

چیست نقش و رسالت و مقام حجج الهی در روزگاران رهبری‌شان؟

۱. اصول کافی، کتاب الحجّه، ج ۱، ح ۱۰.



پاسخ در یک کلمه: مقام "خليفة الله" است. آنان  
جانشین خداوند در مقاماتش: ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ  
خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾. خلیفه هر کس همان کند که او  
خواهد: بی اذن او کاری نکند و به قدرت او به هر کاری  
فائق آید.

این است که امامان معصوم به عنوان خلفای الهی، هرگز  
غائب از ما نیستند و مرگشان یا غیبت جسمانی شان  
پیوند خليفة الله آنان را قطع نمی کند و ما می توانیم  
هر لحظه با آنان زندگی کنیم: یعنی با زبان قلب و دلمان  
با آنان مانوس شویم و سخن گوئیم و صدایشان بزنیم و  
حاضر و ناظرشان بدانیم و وجودشان را همواره در کنار  
خود احساس کنیم و غائبشان ندانیم و براستی خليفة الله  
بدانیم شان که به اذن الهی به هر کاری توانایند.

این نحوه از اعتقاد به حجة الله و خليفة الله، - که بتوان  
با او زندگی کرد- آن چنان لذتی را در جان مؤمنان  
می نشانند که با هیچ لذت دیگری برابر نیست. شما هم  
می توانید امتحان کنید!

با ولی خدا - خليفة الله، حجة الله و صاحب الزمان-  
زندگی کنیم و از این زندگی و حیات طیبه، لذت ببریم...

## پیوند با او

باید که دل خود را با مهر او پیوند زنیم.  
دلی که با او پیوند نگرفته است، دل نیست...  
اگر "ایمان" پیوند دل مؤمن است با ذات ربوبی، پیوند با  
ولی او نیز عین ایمان است!  
آزمون این پیوند چیست و چگونه دل خود را بیازماییم که  
با مقام ولایت عظمی پیوند گرفته است یا نه، پیوندش  
حقیقی است یا غیر حقیقی، قبول درگاه اوست یا نه؟!  
دشوار نیست این آزمون:  
می توانید از دل خود پرسید:  
آیا مهر او را بر مهر مهری ترجیح می دهد یا نه؟!  
رضای او را در همه کارها در نظر می گیرد و در همه امور  
خشنودیش را می خواهد یا نه؟!  
او را ولی و ارباب خویش و خود را خدمتگزار آن ولی خدا  
می داند یا نه؟!  
دعای بر سلامتی و فرج او را به دعای بر حوائج خویش  
مقدم می شمرد یا نه؟!  
صبح و شام با ادعیه ماثوره سلام و عرض ارادت و چاکری  
به محضر او دارد یا نه؟!  
در غم غیبت او اندوهگین و برای ظهور او بی تاب و نالان  
و شتابان هست یا نه؟!  
در شدائد و حوائج به او متوسل شده و به بارگاهش دست  
نیاز و التجا دارد یا نه؟!  
نام شریفش را همواره بر لب دارد و به آن اسماء نورانی  
زبانش مترنم است یا نه؟!  
وقت و بی وقت دلش بهانه او را می گیرد یا نه؟!...  
اگر آری که خوشا به این پیوند!  
و اگر نه فکری به حال دل خود کنیم.....





## منتظر همچون پنجمین امام

امام باقر علیه السلام به ابو خالد کابلی جمله‌ای زیبا فرمودند که می‌تواند تاج افتخار برای همه منتظران لحظات ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

آن حضرت فرمود: «أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»

مطمئنأ بدان! اگر من آن روزگاران را درک کنم، جانم را برای فداکاری در رکاب حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم می‌دارم.»

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده که فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن زمان، امامشان غایب خواهد شد؛ پس خوشا به حال کسانی که بر امر ما ثابت باشند؛ همانا کم‌ترین پاداش ایشان، آن است که خداوند خطاب به آنان می‌فرماید: بندگان من! به سر من ایمان آوردید و غیبت حجت مرا تصدیق نمودید؛ پس به بهترین پاداش از سوی من بر شما بشارت باد! بندگان من شما را رحمت می‌پذیرم و شما را عفو می‌نمایم و به وسیله شما، رحمت و باران را بر بندگانم نازل می‌کنم و برای شما است که از بندگان بلا و عذاب را دور می‌کنم...»<sup>۱</sup>

همچنین فرمودند: «گویی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را... می‌بینیم که میان رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در پیشگاهش بانگ می‌زند: بیعت برای خدا! پس زمین را پُر از عدل کند، چنان‌که از ظلم و جور پر شده است.»<sup>۲</sup>

و نیز این سخنان از آن بزرگوار است: «هر کس با شناخت امامش بمیرد، پیش افتادن این امر (ظهور) یا به عقب افتادن آن به او ضرری نرساند؛ کسی که به معرفت امامش بمیرد مانند کسی است که با حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف در خیمه‌اش باشد.»<sup>۳</sup>

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۵.

۳. بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۹۰.

۴. الغیبة، نعمانی، ص ۱۷، باب ۲۶.



«ای مؤمنان! در به جا آوردن امور واجب خود، تحمل داشته باشید و در برابر دشمنانتان پایداری ورزید، هم‌دیگر را به شکیبایی سفارش نماید و با امام منتظر خود، پیوند و رابطه ناگسستنی داشته باشید.»<sup>۱</sup>

از ایشان سؤال شد: آیا برای این امر (ظهور) وقتی معین است؟ حضرت امام باقر علیه السلام سه بار فرمودند: «آنان که وقتی برای ظهور تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.»<sup>۲</sup>

"بر مردم زمانی می‌آید که امامشان از منظر آنان غایب می‌شود. خوشا به حال آنان که در آن زمان در امر [ولایت] ما اهل بیت ثابت قدم و استوار بمانند! کمترین پاداشی که به آنان می‌رسد، این است که خدای متعال خطابشان می‌کند و می‌فرماید: بندگان من! شما به حجت پنهان من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید. پس بر شما مژده باد که بهترین پاداش من در انتظارتان است."<sup>۳</sup>

آن‌گاه امام باقر علیه السلام ادامه داد: «خداوند متعال به خاطر ارج گذاری از چنین منتظران راستینی به آنان می‌فرماید: شما مردان و زنان، بندگان حقیقی من هستید. رفتار نیک و شایسته‌تان را می‌پذیرم و از کردار ناپسندتان عفو می‌کنم و به خاطر شما سایر گنهکاران را می‌آمرزم و بندگانم را به خاطر شما با باران رحمت خود سیراب و از آنان بلا را دفع می‌کنم. ای عزیزترین بندگان من! اگر شما نبودید، عذاب دردناک خود را به مردم نافرمان نازل می‌کردم.»<sup>۴</sup>

«قائم ما به هنگام قیام نیروهای عقلانی مردم را تمرکز می‌دهد و دست الهی خویش را بر سر مردم خواهد گذاشت و خردها و دریافتهای عقلی را به کمال می‌رساند و دانش آنان را گسترش می‌دهد.»<sup>۵</sup>

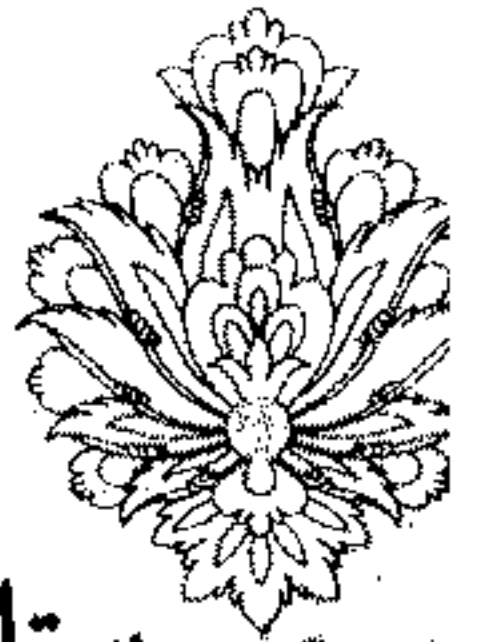
۱. همان، ص ۳۳۰، باب ۲۵.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۴۲۵.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. همان.

۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۶.



## ستایش منتظران و هفتمین امام

«خوش به حال آن دسته از شیعیان ما که در غیبت قائم ما چنگ به دوستی ما زده و بر محبت ما ثابت می مانند و از دشمنان ما بیزاری می جویند، آنها از ما و ما از آنها هستیم... خوشا به حال آنها، به خدا قسم آنها در قیامت در درجه ما خواهند بود...»<sup>۱</sup>

این سخن هفتمین امام معصوم، امام کاظم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است که مستقیمان بر صراط دین در عصر دشوار غیبت را توصیف فرموده و درباره آنان فرموده: آنها از ما و ما از آنها هستیم.<sup>۲</sup>

و می فرمایند: «هنگامی که پنجمین امام از اولاد من پنهان شود، برای حفظ دین خود به خدا پناه برید مبادا کسی دین را از کف شما برباید - این فرزند - حضرت مهدی غیبتی دارد که بعضی از معتقدان به وی از اعتقاد خود بر می گردند. غیبت او امتحانی است که خداوند بندگان خود را بدان وسیله امتحان می کند...»<sup>۳</sup>

وی همه ی مردم را از جمیع نعمت های الهی بهره مند می سازد و زمین را به وسیله عدالت و برابری زنده می گرداند چنان چه قرآن کریم می فرماید: ﴿يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>۴</sup>

یعنی خداوند زمین را بعد از مردن زنده می گرداند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۰.

۲. همان.

۳. اصول کافی، ج ۱، ح ۱، ص ۳۳۶.

۴. روم / ۵۰.

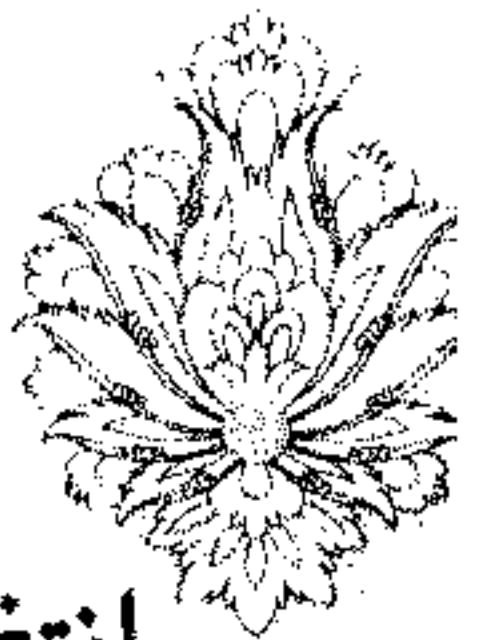


امام کاظم علیه السلام سپس در مورد این آیه چنین می فرمایند: این زنده کردن به این نیست که با باران زمین را زنده کند بلکه خداوند مردانی را (حضرت مهدی و یاران او) بر می انگیزد تا اصول عدالت را زنده کنند؛ پس زمین در پرتو عدل زنده می شود و اجرای عدل و حدود الهی در زمین مفیدتر از چهل روز بارندگی می باشد.<sup>۱</sup>

دوران غیبت حضرت مهدی نیز یک ابتلای بزرگ الهی برای مردم بویژه مسلمانان می باشد و در این دوران یاران و دوستان واقعی آن حضرت به استقامت بر اعتقاد و دوستی اهل البیت و یاری امام شناخته خواهند شد.

کسانی که تهاجمات فرهنگی و اقتصادی دشمن و شیاطین انسی و جنی در آنان هیچ تأثیری نگذاشته و حتی در محیط های آلوده هیچ گاه از راه آل الله جدا نشده و با توسل و توجه به امام عصر و اینکه آن امام بزرگوار همیشه مراقب اعمال و رفتار آنهاست، در راه کمال و معنویت قدم بر می دارند و هوشیارانه و مجدّانه فرهنگ مهدویت را به جهان عرضه می دارند...

۱. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۸.



## انتظار در نگاه نهمین امام

«افضل اعمال شیعتنا انتظار الفرج»<sup>۱</sup> یعنی «برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است». این سخن امام محمد بن علی الرضا، حضرت جواد علیه السلام است که انتظار را با صفت "برترین اعمال" ستوده‌اند.

«جناب ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی - مدفون در شهرری - که از دانشمندان و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام بودند، می‌فرماید: به خدمت امام جواد علیه السلام شرفیاب شدم و تصمیم داشتم که از آن حضرت در مورد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کنم. چون مرا دید، پیش از آنکه من سؤال خود را مطرح کنم، فرمود:

«ای ابوالقاسم! مهدی (ارواحنا فداه)، از ماست. او آن امام هدایتگر است که باید در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهور از او اطاعت نمود. او سومین فرزند من است. سوگند به پروردگاری که محمد صلی الله علیه و آله را به رسالت برانگیخت و تاج امامت را بر سر ما نهاد، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آن روز را طولانی نماید، تا او ظهور نماید و زمین را پراز عدل و داد کند، آن چنان که پراز جور و ستم شده باشد. خداوند تبارک و تعالی امر فرج را در یک شب اصلاح می‌کند، چنانکه امر رسالت کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را در یک شب هموار نمود، هنگامی که او رفت تا برای خانواده‌اش آتشی بیاورد، با نور نبوت و مشعل رسالت برگشت. سپس فرمود: برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است»<sup>۲</sup>.

این سخنان نیز از ایشان است:

۱. کمال الدین، باب ۳۶، حدیث ۱.  
 ۲. کمال الدین ص ۳۷۷. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۷، ح ۲۶۳ به نقل از ثواب الاعمال.



«آن قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ که خداوند زمین را به دست او از لوٹ کافران و منکران پاکیزه خواهد کرد، و روی زمین را به دست او پراز عدل و داد خواهد نمود، کسی است که تولدش بر مردمان پوشیده باشد و خودش از دیده‌های آنها غائب شود»<sup>۱</sup>

و فرمود: «امام بعد از من پسر من علی عَلِيٌّ است، که فرمان او فرمان من، گفتار او گفتار من، و اطاعت او اطاعت من است. و امام بعد از او پسرش حسن عَسْكَرِيٌّ است که فرمان او فرمان پدرش، گفتار او گفتار پدرش، و اطاعت او اطاعت پدرش می‌باشد». سپس فرمود:

«امام بعد از حسن پسرش قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ منتظر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الشَّرِيفِ است که به حق قیام می‌کند». راوی پرسید: چرا به او «قائم» می‌گویند؟ فرمود: «زیرا او پس از آنکه نام مقدسش دستخوش فراموشی شد و بیشتر معتقدان به امامتش، از عقیده‌ی خود برگشتند، قیام می‌کند».<sup>۲</sup>

راوی پرسید: چرا به او «منتظر» می‌گویند؟ فرمود:

«زیرا برای او غیبتی است که روزگاری دراز طول می‌کشد، در آن دوران غیبت، مخلصان انتظار می‌کشند، اهل ریب و تردید به شک می‌افتند و منکران یاد او را مسخره می‌کنند، وقت تعیین کنندگان، دروغگو از آب در می‌آیند، شتاب کنندگان هلاک می‌شوند و تسلیم اراده خدا شونده‌ها نجات می‌یابند».<sup>۳</sup>

این سخن نیز از کلمات گهربار امام جواد عَلِيٌّ است:

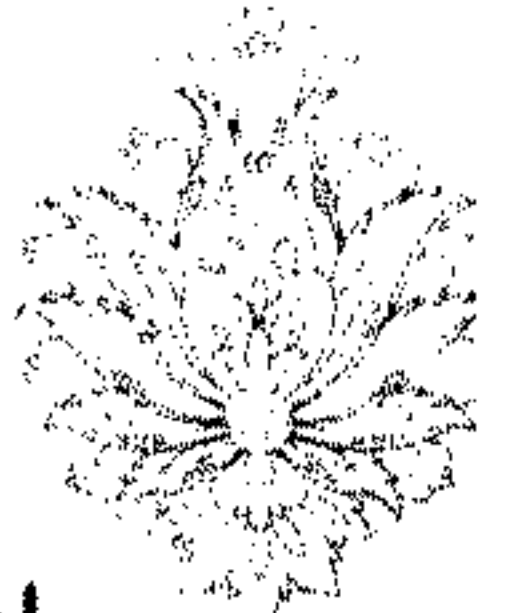
«برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. کسی که این امر را بشناسد، به وسیله‌ی انتظار فرج، برای او گشایش حاصل می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. همان ص ۴۷۸.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه ج ۲، باب ۳۶ ح ۳.

۳. اعلام الوری ص ۴۰۹.

۴. یوم الخلاص ص ۲۱۵.



## سازمان نیت

از مفاخر آیین ما، توجه به "نیت" و اهتمام به سازماندهی آن برای اصلاح اعمال درونی و برونی انسانهاست.

"نیت"، یک فعل نفسی است. به عبارت دیگر "نیت" توجه باطنی به انجام یا ترک فعل پیش از وقوع آن است. "نیت" آن چنان مهم است که به تمامی نیات خیر پاداش و به بعضی از نیات شرّ مثل سوءظن، میل قلبی به ظالمان، ریا و شرک و...، عقاب و جزا تعلق می‌گیرد.

﴿إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾<sup>۱</sup>...

﴿لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فْتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾<sup>۲</sup>...

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾<sup>۳</sup>

باید صفحه ذهن و ساختار افعال نفسی خود را بر اساس نیات خیر بنا کنیم.

بهترین نیات انجام اوامر الهی به قصد کسب رضایت حق تعالی و قرب به ساحت ربوبی است.

شایسته است با موهبت "اختیار" که خدایمان عطا فرموده است هر روز خود را با نیات خیر آغاز کنیم: احسان به خلق و اهتمام به گشایش امور آنان، انجام عبادات و انجام اوامر و ترک نواهی الهی وفق شریعت مقدسه است. دایره "نیت"، تمامی زندگی و حیات

۱. حجرات / ۱۲.

۲. هود / ۱۱۳.

۳. نساء / ۴۸.



انسانی اعم از تعلیم و تربیت، کسب و کار، تفریحات و ورزش، سفر و حضر، معاش و جهاد و عبادت و سیاست و امور اجتماعی و غیره را پوشش می‌دهد. بدین معنی که همه اینها به چه قصد و منظوری انجام می‌شود: الهی یا غیر الهی زیرا بر همین اساس هم ارزشیابی می‌شوند. این است که فرموده‌اند: "الاعمال بالنیات ولكل امریء ما نوى"<sup>۱</sup>

این که صفحه ذهن و صحنه وجود انسانی از نیات خیر انباشته گردد از او موجودی الهی می‌سازد که فرشتگان به او غبطه می‌خورند و برایش استغفار می‌کنند و او را می‌ستایند و به افضلیتتش اذعان می‌کنند...

"انتظار" (که پاسداشت مشعل امید در درون و آمادگی کامل برای نصرت ولی خداست) از مقوله همین نیات خیر است. "منتظر" در نظر دارد که چون امامش ظهور کند در رکاب او باشد و در انجام مأموریتش او را یاری نماید و با دشمنانش بستیزد و از یاوران او برای برپائی نظام عدالت محور باشد. این است که روایات جایگاه و رتبه و پاداش منتظران را همپای پاداش رزمندگان در رکاب رسول الله ﷺ شمرده‌اند...

۱. تهذیب شیخ طوسی ج ۱ ص ۸۳



## نماز با ولای او

نماز والاترین شکل نیایش با معبود یکتا و زیباترین شیوه عبادت و تقرب به ساحت قدس ربوبی است. شرط کمالش، پذیرش حق است و نماز و عبادتی را مقبول حق گفته‌اند که با ولایت آل الله همراه باشد که نماز بی ولای او عبادتی است بی وضو...

حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام فرمود:

وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ

و به موالات شما طاعات و عبادات مفروضه، پذیرفته می‌شود و برای شماست مودت واجب ...

اگر راستی در اندیشه اصلاح نماز خود هستی، هوشیار باش که اصلاح نماز، مستلزم اصلاح ظاهر و باطن و دوری از منکرات ظاهری و باطنی است. از راه‌های اصلاح نماز، توسل جدی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در حال شروع نماز است.

این توسل می‌تواند پیش از تکبیر الاحرام با عرض سلامی به محضر آن امام همام همراه باشد و توجه قلبی به ساحت قدسی‌شان که روح نماز و عبودیت و زیباترین روح پرستنده در روزگار ماست و نیز توجه قلبی به آن امام بزرگوار در حالیکه به نماز ایستاده و تو گوئی به او اقتدا کرده‌ای و کلمات نورانی نمازش را می‌شنوی و در دل تکرار و با جان همراهیش می‌کنی که **السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقُنْتَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرَكُّعٌ وَ تَسْجُدًا...** و می‌بینی‌اش که در یکی از مشاهد مشرفه یا کنار بیت الله نماز می‌خواند و فرشتگان الهی با آواز تکبیر و تحلیل و تسبیحش، تکبیر گویان و تحلیل خوانان و تسبیح کنان‌اند و تو با آن طنین خوش هم آواز می‌شوی و اذکار نماز را می‌خوانی...

۱. مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

## نماز رکن ایمان!

از آنجا که حضرت امام ابامحمد حسن العسکری علیه السلام، نماز را نخستین نشانه از علائم ایمان شمردند<sup>۱</sup> بجاست مختصری به آن پردازیم:

نماز مهم‌ترین رکن ایمان است. نمازهای واجب و مستحب (فریضه و نافله) که پنجاه و یک رکعت‌اند نردبان عروج انسان به ملکوت معرفه الله‌اند. نوافل سی و چهار رکعت و فرائض هفده رکعت.

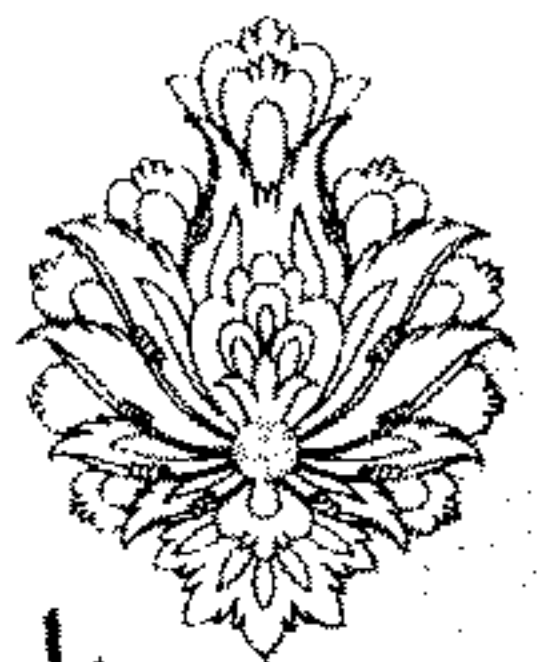
نوافل برای آنند که جبران کاستی‌هایمان در فرائض باشند و آنها را به آستانه قبول حضرت حق برسانند. نوافل را می‌توان ایستاده، نشسته و یا خوابیده و حتی در حین سواری بر مرکب نیز خواند و رکوع و سجودش را هم با حرکت سر و چشم بجای آورد و آن مقدار را که از انسان فوت شده نیز با انفاق یک صاع برای هر نماز جبران نمود. این است که همه بهانه‌ها برای ورود به شرایط ایمان برای کسی که نیتش را دارد فراهم است...

از زیباترین زیورهای نماز پیوند آن با ولی الله الاعظم است: ترنم دعای فرج در قنوت و زمزمه ذکر "اللهم اشف صدر الحسین بظهور الحجة" در سجده‌ها بویژه در سجده آخرین و سلام بر آن بزرگوار پیش از تکبیر الاحرام و خواندن آیه الکرسی پس از نماز تا "العلی العظیم" و گفتن "والله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین" پس از آن به نیت حفظ آن آرام جان... و آرزوی گزاردن نمازی ملکوتی به امامت آن عزیز در هنگامه ظهور شکوهمندش...

اگر روزی پنجاه و یکبار خود را در چشمه سار عبودیت و ایمان شستشو دهیم دیگر آلودگی‌های روحی دامنگیرمان نمی‌شود. سر بر آستان نماز گذاریم تا به فرموده حضرت عسکری علیه السلام ایمان را در آغوش گیریم ان شاء الله...

۱. دلائل الامامة / ۲۶۱.





## پاره‌های پولاد

از جمله صفاتی که در روایات برای یاران امام عصر ارواحنا فداه شمرده شده است یکی هم این است که آنها در باور و اعتقاد همچون پاره‌های پولاد قرص و محکمند. یعنی در دگرگونی‌های زمانه و سختی‌ها و فتنه‌ها متزلزل نمی‌شوند و بر عقیده خود ثابت قدم می‌مانند. حضرت امام صادق علیه السلام در مورد آنان فرموده‌اند:

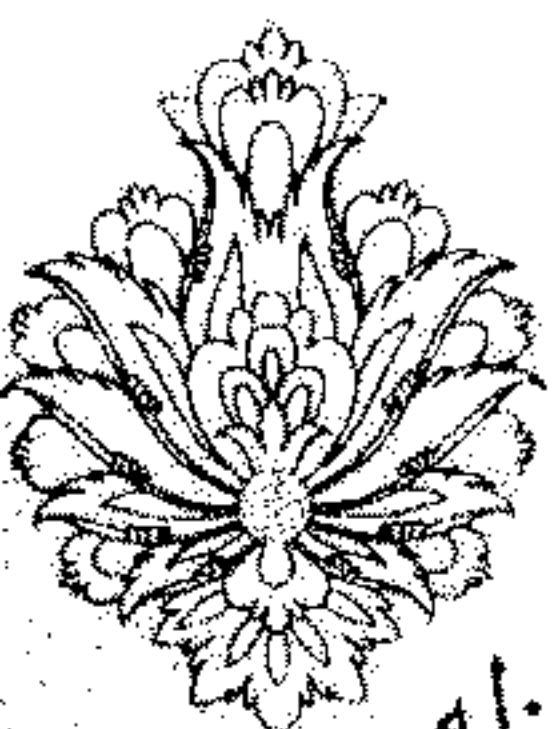
"دل‌هایشان محکم تر از پاره‌های فولاد (اشد من زبر الحديد) است. غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغ‌های فروزانند، گویا دل‌هایشان نور باران است. از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند. برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند جانفشانی در راه خدایند. هر کدام از آنان قدرت و شهامت چهل مرد را دارد. اگر بر کوهها بگذرند کوهها در هم فرو می‌ریزند.<sup>۱</sup>

شبا هنگام نمی‌خوابند و در طول آن زمزمه تلاوت قرآن و ذکر مناجات‌شان همچون صدای زنبوران عسل در هم می‌پیچد، آنان راهبان شب‌اند و شیران روز.<sup>۲</sup> برای اطاعت و اجرای فرمان‌های او شب و روز نمی‌شناسند و در راه فرمانبرداری او مطیع‌تر از یک خدمتکارند و برای دفاع از او جانشان را فدا می‌کنند.<sup>۳</sup> اینان با پشتوانه‌ای بزرگ از ایمان واقعی به خدا و یقین به روز جزا و هدفی مقدس همچون مشعل‌هایی فروزانند که دل‌های استوارشان بسان قندیل‌های نور در سینه سترگشان آویخته است. این رادمردان تنها به خدای خویش دل داده‌اند و تنها از او هراس دارند و قلبشان را به یاد او قوت بخشیده‌اند. امام سجاد علیه السلام فرمود: "آنان کسانی هستند که به امامت آن بزرگوار اعتقاد دارند، خداوند متعال، عقل و فهم و

۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۷.

۲. همان. ۳۰۸.

۳. همان. ج ۴۸. ص ۱۹.



معرفتی به آنان داده است که غیبت نزدشان به منزله مشاهده است.<sup>۱</sup>

با یکدیگر مخلص و همدل و همراز و با لطف و صفایند. دوستیشان، چنان محکم است که گویا برادران تنی اند و همه شان از یک پدر و مادرند. گویا یک پدر و مادر آنان را پرورده است. دل‌های آنان از محبت و خیرخواهی به یکدیگر آکنده است.<sup>۲</sup>

اینان، خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی را از خود دور کرده‌اند. همه چیز را برای هدف واحد می‌خواهند و زیر یک پرچم به قیام می‌پردازند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

ایشان، یکدل و هماهنگ هستند.<sup>۳</sup>

اهل نماز و زکات و امر به معروف‌ها و نهی از منکراتند و بفرموده امام ششم مصداق آیه شریفه: همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.<sup>۴</sup> و می‌فرمایند:

خداوند توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او، مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را به تصرف در می‌آورد، دین را آشکار می‌سازد، بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد. همچنان که سفیهان حق را میرانده بودند. تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود. آنها امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود و عاقبت کارها به دست خداست.<sup>۵</sup>

همه توفیقات با تمسک به شما ای مولای مهربان، نصیب خواهد شد. به قلب‌های ما عنایتی فرمائید تا همچون پاره‌های پولاد، محکم و استوار شود و لایق یآوری شما!

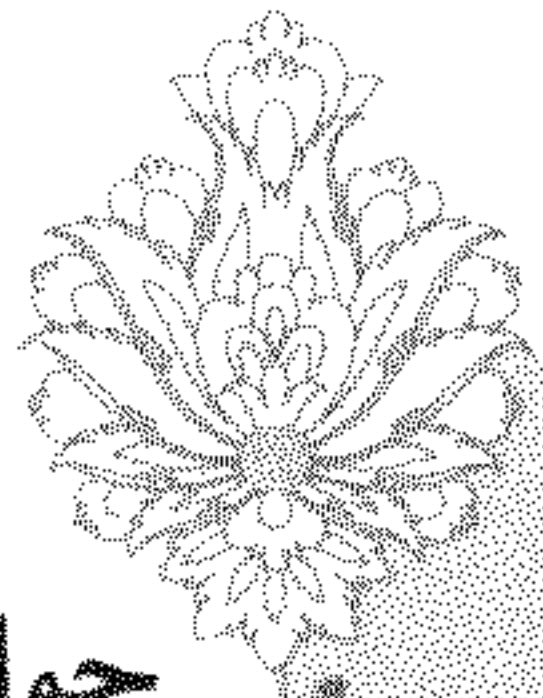
۱. کمال الدین، ج ۱، ب ۳۱، ح ۲.

۲. الزام الناصب ج ۲/۲۰.

۳. یوم الخلاص، ص ۲۲۳.

۴. حج / ۴۱.

۵. المحجّة، ص ۱۴۳.



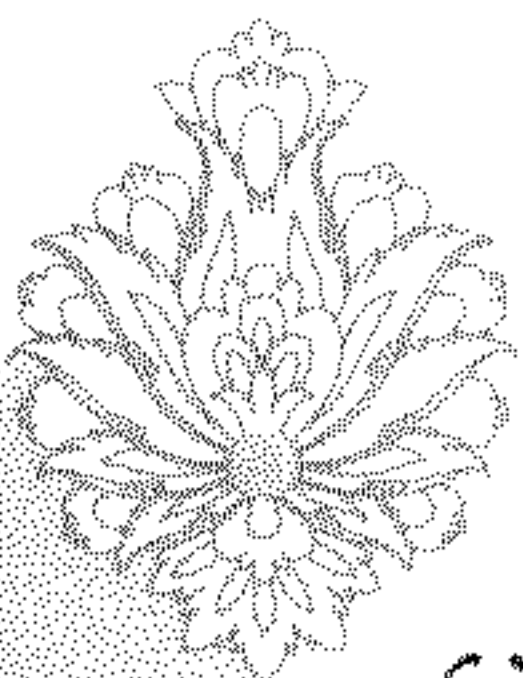
## جوان عاشق

عشق کوچک تر از آن است که ترجمان کمال اشتیاق منتظران باشد به آستان نورانی شما، اما چه کنیم که واژه‌ها حقیرند و ناچاریم از همین کلمه‌های مشترک - که آلوده به مفاهیم دنیوی هم هستند - برای شما استفاده کنیم...

سالها پیش خطیبی از جوان عاشقی سخن می‌گفت که پای منابر او، عاشق و دلسوخته و مشتاق و دل‌بند شما بود که تا نام و اوصاف و مدائح شما را که محبوبش بودید می‌شنید، آتش عشقش شعله ور می‌شد و بی‌خود می‌گشت و می‌افروخت و می‌سوخت و می‌گداخت و می‌گریست و بی‌تاب می‌شد و فریاد اشتیاق سر می‌داد و مجلسی را منقلب می‌ساخت و آنقدر یا صاحب الزمان می‌گفت که از حال می‌رفت ...

او "جای خالی" شما را بر نمی‌تافت و از شما نمی‌برید و غافل نبود و شما را از عمق و سویدای جان می‌خواست و غیبت را بر نمی‌تافت و وجود عاطرتان را در کنار می‌خواست ...

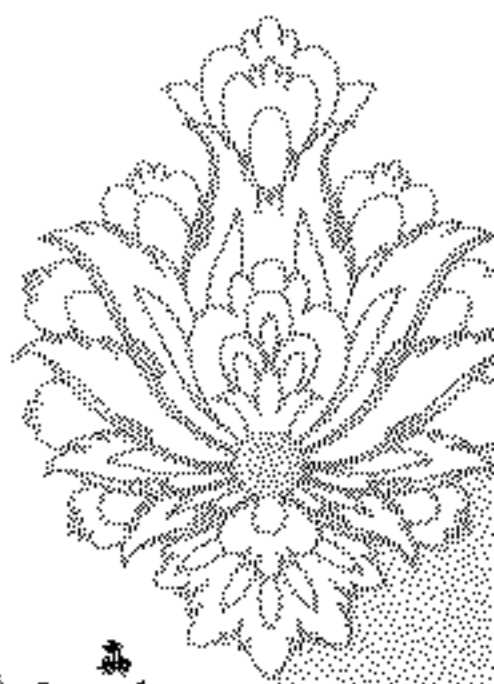
خطیب فرمود که او آن چنان از عشق محبوب می‌گداخت که روزها و شبها از یاد او مالا مال بود و با او سخن می‌گفت و حضور می‌طلبید... حضور در جمع غافلان را نمی‌خواست و در خلوت خویش به راز و نیاز با مولایش می‌پرداخت... این اواخر لاغر شده بود و نحیف و نورانی... و در آخر به وصال مولایش رسید و روزی به خطیب خبر داد که به مقصود رسیدم و محبوب را دیدم.



آن حضرت به من فرمودند: "بار سفر را ببند که به زودی کوچ خواهی نمود"... آنگاه با من وداع کرد و رفت و چند روز بعد هم، قالب تهی کرد و به لقای محبوب شتافت...

دریغ از آن استادها که مجالس را به نام مولا و مهر و فضائل و صفات و خصائل او شعله ور می کردند و دریغ تر از آن جوانان عاشق که با استماع نام و مدائح مهدوی می سوختند و می گداختند و آرام نداشتند و جایش را واقعاً خالی می دیدند و از این جای خالی فریاد می کردند و درهای آسمان را از سویدای دل می کوبیدند و به عمق جان خریدارش بودند و بر غیبتش به پهنای صورت می گریستند و از خدا می خواستندش...

دهه هاست که نوار آن منبر نورانی - که استاد از آن جوان عاشق حکایت گفت و داستان مشتاقی اش را سرود - مونس لحظات دلتنگی و آموزگار مشق عاشقی و نماد دلدادگی و شیفتگی دلباختگان به آستان آن یوسف جان هاست...



## شوق یاوری

وقتی باورمان شد که بی تو هیچیم و با تو همه چیز، تورا بلندتر از همیشه فریاد می‌کنیم و به سویت می‌شتابیم...

وقتی همه برنامه‌های ما اسیر مکر دشمنان رنگارنگ ابلیس مدار شد، به تو استغاثه می‌کنیم و آشکارتر از همیشه از تو کمک می‌خواهیم...

غفلت، غرور و نسیان آفت اندیشه‌های ماست، عامل دوری ما از تو...

روی به سوی تو می‌آوریم و قوی‌تر از همیشه می‌گوییم: آفرینش را مدار، خلقت را امیر، ای بی‌بدیل، دریاب ما را ای عزیز... می‌پسند دشمنانمان خوشحال باشند از اختلاف ما، تیر جفا بر دل دوستان نشیند، چشم‌ها اشکبار و فتنه‌ها بی‌شمار...

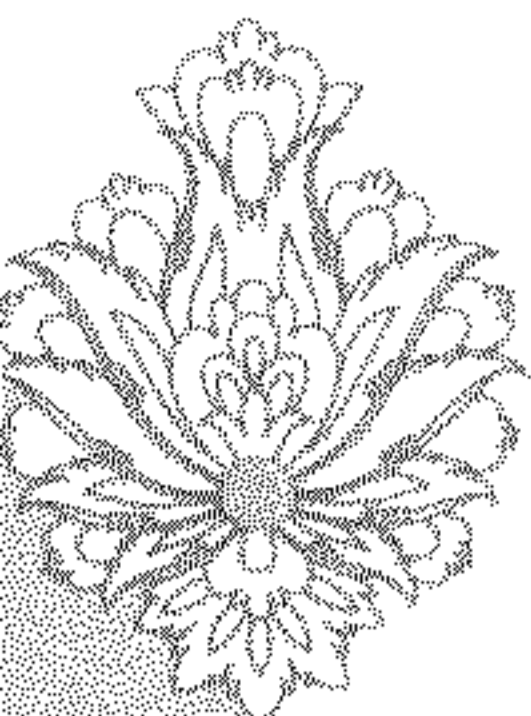
ای امت را پناه، به پناه تو آمده‌ایم پناهمان باش، یاری‌مان کن...

باطل سحر فتنه‌گران، نام خطیر توست: نجات بخش جهانیان، کوکب درخشان آسمان هدایت...

باید هر ثانیه تورا فریاد کنیم و نمی‌کنیم و غافلیم...

کوتاه کنم ای غوث ما، شعار ماست امروز:

- کودک و نوجوان، مرد و زن، پیرو جوان، عالم و دانشجو، رهبر و پیرو - المستغاث بك یا صاحب الزمان...



## تمرین استقامت

شهادتین را چه آسان و سریع می‌توان ادا نمود اما...

پایداری بر این اظهار است که به عمری استقامت نیاز دارد. عمری تلاش برای ماندن بر سر آن شهادتی که گفتنش تنها چند ثانیه‌ای طول کشید. آن هم ماندن عملی نه گفتاری!

استقامت جوهره ایمان است ماندنی راستین بر شهادت به ربوبیت پروردگاری که به آن شهادت زبانی دادیم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾<sup>۱</sup>...

اگر چنان شد آنگاه به تحقق نتیجه می‌رسیم که این مستقیمان را فرشتگان ندا دهند: هیچ اندوه و هراسی نداشته باشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که وعده داده شده بودید:

﴿تَنْزِيلٌ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾<sup>۲</sup>...

این مأموریت عظیم تمرین نمی‌خواهد؟ شارژ روحی نیاز ندارد؟ تجدید و تمدید قوا نمی‌خواهد؟

"رمضان" کریم زمینه‌ساز این مأموریت و تمرین این استقامت است...

۱. فصلت / ۳۰.

۲. فصلت / ۳۰.



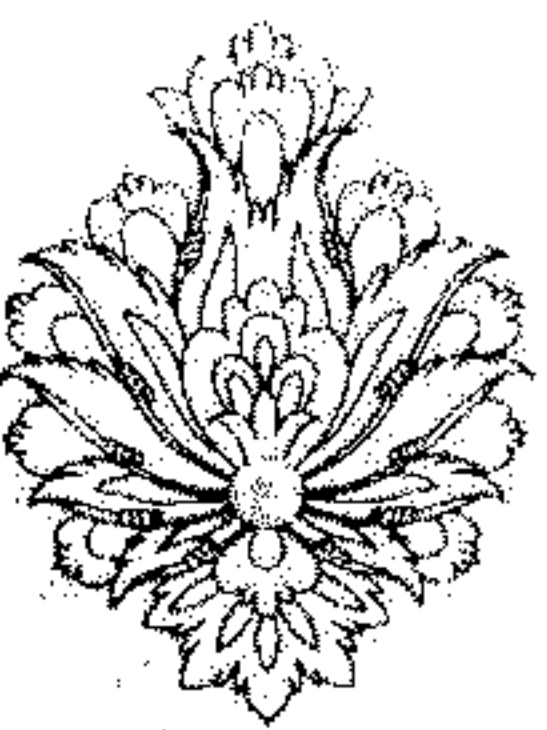


تمدید و تجدید قوا برای سالی بلکه سالیانی ماندن  
عملی بر سر شهادتی است که فطرتمان بر آن نهاده شده  
است با امساک از طعام و امساک از گناه همه جوارح  
و اعضا و غوطه خوردن در عبودیت روزان و شبان و  
ساعاتی خوش با قرآن و نماز و ذکر و افتتاح و سحر و  
غنودن در فضای امید و انتظار فرج الهی...

راهیان رمضان کریم را یادآوری کنیم:

اگر برترین کار در شب‌های قدر- شبهایی برتر از هزار ماه-  
مذاکره العلم<sup>۱</sup> است شایسته است دانش خود و یاران را  
برای پایداری بر اعتقاد فراموش نکنیم و رمضان را فرصت  
تمدید و تجدید قوا کنیم تا پرتوان‌تر از همیشه ناصر دین  
الهی باشیم و همین‌گونه بمانیم تا زمان آن "منصور" (أینَ  
الْمَنْصُورِ عَلَی مَنْ اَعْتَدَی<sup>۲</sup>) برسد که تقاضای فرجش را هر  
لحظه این ماه فریاد کرده‌ایم!...

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۳: ای ابوذر نشستن برای کسب علم از هزار شب زنده‌داری  
که هر شب هزار رکعت نماز خوانده شود، محبوب‌تر است.  
۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.



## اجتماع قلوب در وفای به عهد

دوست ناشناخته‌ای با اشاره به سخنی از امام عصر ارواحنا فداه در نوشته وبلاگ خود منتظران را به پیمان بر "اجتماع قلوب" در یآوری آن خسرو خوبان فراخوانده که زیباست...

و من اضافه می‌کنم: "اجتماع قلوب در وفای به عهد"...

چنانکه در پیام حضرتش آمده است:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ  
فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ  
لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ  
صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا  
نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ  
الْوَكِيلُ!

اگر چنانچه شیعیان ما - که خداوند به طاعت خود موقفشان بدارد - در راه وفا به عهدی که بر آنان است اجتماع می‌نمودند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناخت راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. پس ما را از ایشان دور نمی‌دارد مگر آن دسته از کردارهایشان که برایمان ناپسند و ناخوشایند بوده و از آنان روا نمی‌داریم. و خداوند یاری کننده است و ما را کفایت می‌نماید و وکیل خوبی است و درود او بر سید بشیر و نذیر ما محمد و خاندان پاکش.

۱. الإحتجاج ۲ / ص ۴۷۹.



شناخت "عهد" گام نخست است و گام دوم "همدلی" با دیگر هم پیمانان در استواری براین پیمان.

ما چه پیمانی با امام خود داریم و امام - که جانها فدایش - از ما چه خواسته اند؟ راه و رسم "یاوری" امام چیست؟ راه و رسم "همدلی منتظران" کدام است؟

به راستی آنچه تا به حال کرده ایم در حذف منتظران و بی مهری با آنان و... بر اساس فرمان امام مبنی بر "وفای به عهد" و "اجتماع قلوب" بوده است؟!!

به فدای رخ پیامبر گونش که از غصه دوست و دشمن، نیلگون است...

نسیم سرخوشی که از کرانه ها عبور می کنی

و ای بهار که کوچ تا به جلگه های دور می کنی

یقین که یک زمان از این دیار هم عبور می کنی

به ما بگو که ای عزیز روزگار کی ظهور می کنی!

## عهدی مجدد

نه که از عطر او سرمست اند خاکیان و افلاکیان؟!

نه که از نور او تابناکند عرشیان و کروبیان؟!

نه که از یاد او آکنده اند فرشتگان و رحمانیان؟! سلام بر جلالتش، درود بر کرامتش!

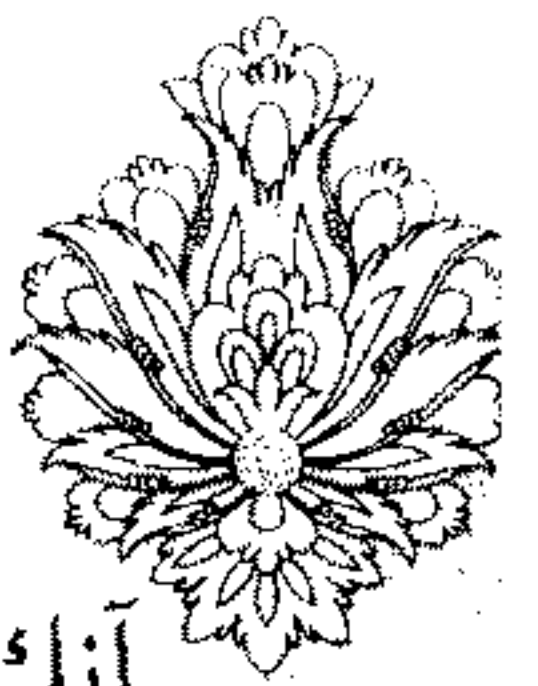
نگاه کنیم به آسمان ها - با همه گستردگیش - و به صحراها با همه وسعتش و به دریاها با همه گنجایشش... نه که وامدار اویند در آفرینششان، حیاتشان و تداومشان؟!

ذروه‌ای از جمال اوست، جمال طبیعت، قطره‌ای از کمال اوست کمال حقیقت، جلوه‌ای از مهر اوست مهر عالم و آدم....

اگر خدا همه جا هست و قدرت و عظمتش در زمان و مکان ساری و جاری است خلیفه او نیز که خلیفه الله است به اذن او همه جا هست و عظمتش ساری و جاری است!

ما را با او عهد و پیمانی است از عالم الست مهری است در فطرت و سرشت از عالم ذر و پیوندی است استوار از طینت "شِيعَتُنَا خُلِقُوا مِنْ فَاضِلِ طِينَتِنَا وَ عَجِنُوا بِمَاءِ وَلايَتِنَا". شیعیان ما از باقیمانده گل ما آفریده شده‌اند، ولایت ما در سرشت آنان عجین گشته "تا شیعه او باشیم و دوست دارش، وام دارش، رعیتش و امتش..."

۱. جنة المأوی به ضمیمه بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۳ و نیز شجره طوبی، ج ۱، ص ۳.



آنک ای امام مهربان، خورشید تابان، آقای کریمان، امیر  
جهانیان، ماهتاب درخشان!

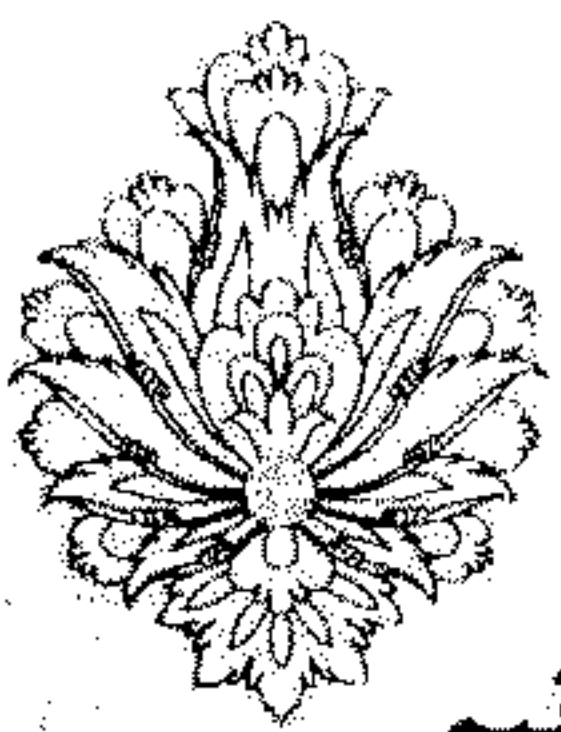
چرا دوست دارت نباشیم که هستیم، مریدت نباشیم که  
هستیم، در جستجوییت نباشیم که هستیم، به فرمانت  
نباشیم که هستیم، به دنبالت نباشیم که هستیم،

چرا که همه هستی مان از توست اگر هستیم!

این است که همیشه از سویدای دل ممنون شماییم ...

بگذار ای مهربان هستی، اعتراف کنیم: گاهی از شما  
غافل می شویم، درهای دیگری را می زنیم، دل به غیر  
شما می بندیم، سست می شویم و خطاکار، عهد شکن  
می شویم و جفا کار... اما خیلی زود چوبش را می خوریم  
و نادم می شویم و باز می آییم به سراغتان، سرافکننده و  
پشیمان، عذر خواه و اشک ریزان و شما با بزرگواری ما  
را می پذیرید و دست مرحمت بر سرمان می کشید و در  
سایه الطاف خویش ما را شرمنده می کنید.

اجازه بدهید یک اعتراف دیگر هم بکنیم: گاهی شما را  
برای خودمان خواستیم و متأسفانه فقط احتیاجاتمان را  
به شما گفتیم، حوائج روزمره را از شما طلب کردیم و فقط  
در مشکلات به یاد شما افتادیم، پیمان خویش فراموش  
کردیم و در غوغای زندگی اسیر شدیم و برای دنیايمان  
به سراغ شما آمدیم و خلاصه بی معرفتی کردیم... اما  
اکنون از این بی معرفتی ها عذرخواهی می کنیم و پوزش  
می طلبیم و طلب عفو می کنیم که چرا حوائج ناچیز خود  
را بر حاجت عظیم فرج مقدم ساختیم و شادی دل شما  
را بر شادی خود ترجیح دادیم و نمک ناشناسی کردیم.  
اگر چه یقین داشتیم اگر به این می پرداختیم شما با



کرامت‌تان دنیای ما را نیز کفالت می‌فرمودید... می‌دانیم  
شما ما را بخشیده و بعدها نیز خواهید بخشید...

جا دارد اکنون در این لحظات نورانی با استمداد از  
خاصان و پاکان و رسولان از شما بخواهیم:

"معرفت" را تا سربرآستانی جزآستانان ننهیم

و "وفا" را تا جفا نکنیم

و "خدمتگزاری" را تا به شما تقرب جوئیم

و "مرزبانی" را تا دشمنانتان را خاموش کنیم

و "اخلاص" را تا فقط به شما بیندیشیم

و "انتظار" را تا هماره چشم به راهتان باشیم

و "دعا" را تا دمی از خواستن‌تان از بارگاه‌الاهی غافل

نشوئیم. کریم، هرچه باشیم رعیت شمائیم، مال

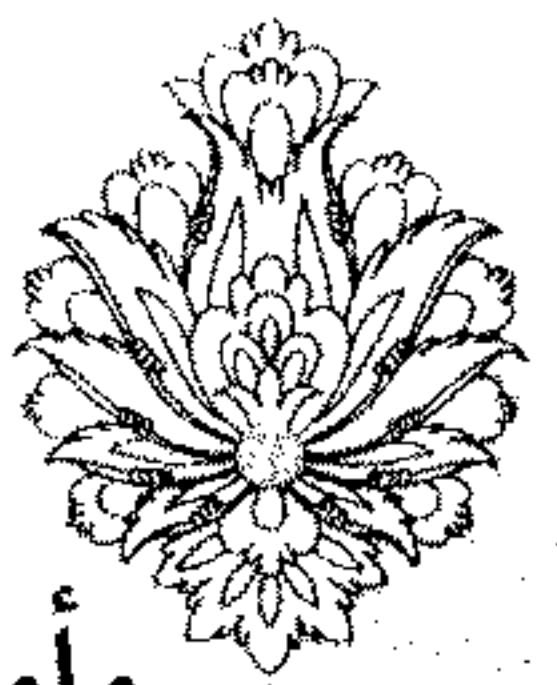
شمائیم، دوستدار شمائیم، سرمان را بلند می‌کنیم و

آشکار به جهانیان می‌گوییم شیعه شمائیم، دستان

بگیرید که محتاج شمائیم و می‌دانیم که دستگیرمان

هستید و همیشه می‌گوییم: سلام بر جلالت‌تان، درود بر

کرامت‌تان!



## مأموریتی فراگیر و جهانی

هر منتظر راستین موعود جهانی، باید همچون مولایش به نجات جهان از ضلالت و ظلم بیندیشد و به قدر توانش مأموریتی را بردوش خود احساس نموده و به تلاش در راه آن پردازد و گرنه شایسته نام منتظر نیست زیرا:

"خلقی که در انتظار مصلح به سر می برد خود باید صالح باشد" و:

شیر را بچه همی ماند بدو

توبه پیغمبر چه می مانی بگو؟!

درباره مأموریت مرزبانی منتظران باید گفت:

"این رهروان مکتب اهل البیت علیهم السلام وادادگی و خاموشی را همواره دشمن داشته اند و آنی از تعلیم و تربیت نسل امروز غافل نبوده بل بر آن جان فشانده اند تا نسلی دیگر در توالی روزگاران پرچم مرزبانی را از نسل پیشین تحویل گیرد و فرهنگ آل الله را فراگیر کند و در کنار این مدرسه سازندگی به میدان مبارزه نیز وارد شود و با رهنمان دین از نوع فرق ضاله یا سست پیمانان در امامت، دلپستگان مکاتب بشری در معرفت یا دورکنندگان از آستان مهدوی برخورد علمی نماید تا برهنگی منطقی و رسوائی علمی شان را هویدا کند و از غلطیدن نا آگاهان در دام آن ها جلوگیری نموده و فضا را برای گمراه سازان ناامن نماید. آری اهتمام به هدایت انسانها و تبلیغ آموزه های الهی در هر کجا و هر موقعیت و هر زمان، وظیفه ای تعطیل ناشدنی است: فردی یا گروهی، با امکانات یا بدون آن، آشکار یا پنهان، در سفر یا در حضر، پیر یا جوان، مرد یا زن، عالم یا متعلم، آسیائی یا اروپائی یا آفریقائی! "

اگر منتظری باید بدانی "مأموریتی فراگیر و جهانی" بر دوش داری تا زمینه ساز ظهور شادی آفرین و دادبنیان و هدایت محور و رهائی بخش آن موعود جهانی باشی یعنی: حضرت مهدی صاحب الزمان زنده کننده علوم قرآن و رهاننده جهان از کفر و ظلم و طغیان.

## دور یا نزدیک

ظهور آن محبوب دلها و عزیز دورانها و یگانه زمانها، دور است یا نزدیک؟

مستندهایی همچون "ظهور نزدیک است" تنها نه دوران ماست که با ساخت آنها از نام منجی انسانها استفاده ابزاری می‌کنند و به نوعی خود را مطرح می‌نمایند بلکه همواره این سوءاستفاده‌ها رخ داده و خواهد داد!

اگر به انگیزه پیوند بیشتر مردم با امام و تقویت بذرا امید در دلها این کارها صورت می‌گیرد که راهکارش ارائه آدرس‌های غلط بر اساس بعضی از علائم ظهور نیست که گفته شد همگی بدا پذیرند و خداوند منتظر وقوع علائم نیست و معصوم فرموده است:

يُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ<sup>۱</sup>

یعنی اگر اراده الهی تعلق گیرد امر فرج را يك شبهه اصلاح فرماید و ظهورش را تحقق بخشد و نیز فرموده‌اند:

تَوَقَّعْ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ<sup>۲</sup>

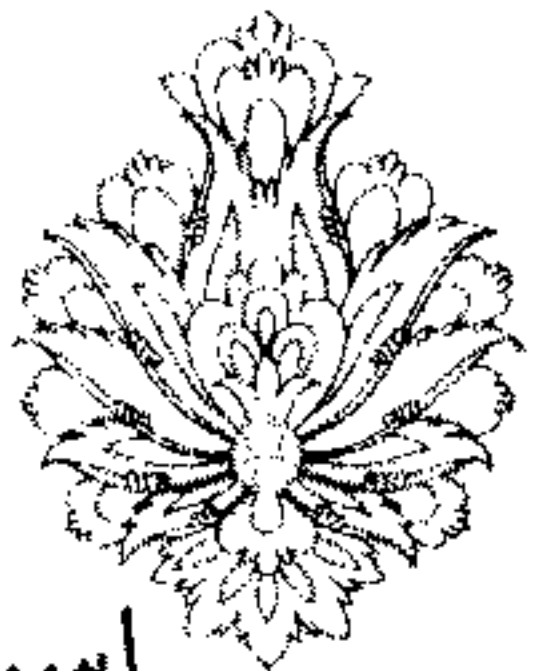
یعنی صبح و شام منتظر وقوع امر صاحب‌الزمان باش!

پس تحلیل‌های نادرست از شرایط و فرستادن افراد به نشانی‌های غلط و گشودن بابت جدید و موج سواری در شرایط سیاسی و به زمین زدن رقبا با طرح نام صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، ترفندی رسوا و شکست خورده

۱. کمال‌الدین ج ۱، ص ۱۵۲.

۲. اقبال‌الاعمال ج ۱، ص ۳۶۸.





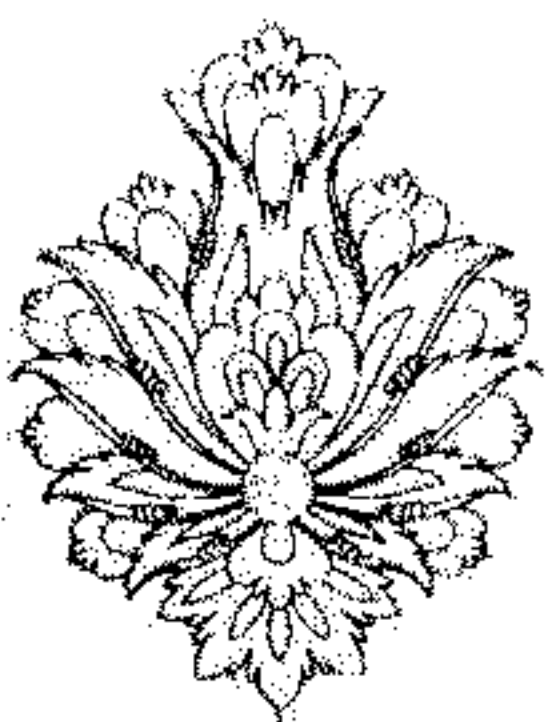
است. استفاده از منابر و تریبون‌ها و مؤسسات مهدوی و خرج کردن از کیسه امام عصر ارواحنا فداه برای مقاصد دنیوی حقیقتاً مذموم و شیوه‌ای رسواست.

شیوه درست: اخلاص در ارادت به ساحت قدسی آن بزرگوار و آشنا نمودن مردم با ایشان و کمالاتشان و نشر احادیث پیامبر گرامی و ائمه معصومین درباره حضرتش و نیز بسط معارف زلال مهدوی برگرفته از کلماتشان بی هیچ چشمداشت مادی و دنیوی است. این است که معصوم علیهم السلام فرمودند:

اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمَ هَذَا الْأَمْرِ  
أَوْ تَأَخُّرًا

اگر صحبت را بشناسی، دوری و نزدیکی ظهور به تو آسیبی نمی‌زند!

و این یعنی اینکه ضمن انتظار همیشگی و هر لحظه‌ای، از تأخیر ظهور لرزان مشو و به وظایف عمل کن و خدمت در آستان صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را منوط به زمان خاصی ندان و همیشه در رکاب خدمت به حضرتش باش!



## متن یا حاشیه

جایگاه دین را در متن زندگی می‌دانیم و می‌خواهیم یا در حاشیه آن؟ سؤال این است!

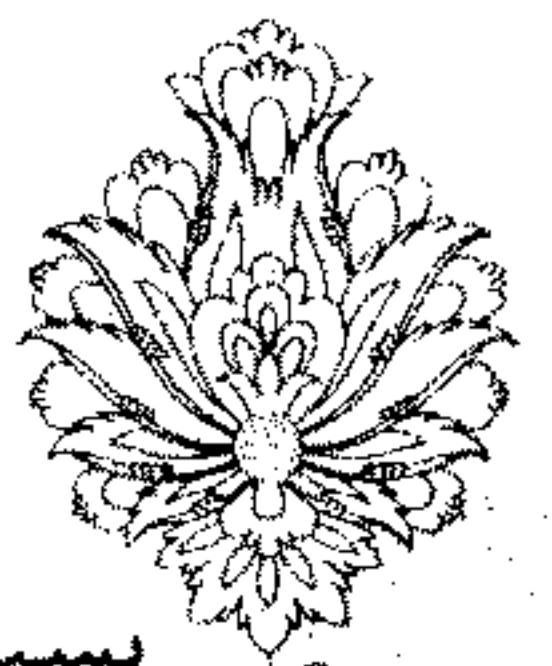
اگر به اسلام باور داریم، این دین، دینی نیست که در حاشیه قرار گیرد زیرا دینی جامع، کامل و خاتم است و برای همه ابعاد زندگی فردی و گروهی انسان اعم از اخلاق و تربیت و ازدواج و شغل و اقتصاد و سیاست و جنگ و دفاع و صلح و قراردادهای و پیمان‌ها و خلاصه انواع تعاملات و کنش‌های فردی و اجتماعی برنامه و دستور دارد.

هر باورمند به این دین، وظیفه دارد تا در همه این کنش‌ها، دیدگاه دین را بداند و مطابق آن عمل کند لذا باید یا خود کارشناس دین باشد یا از کارشناسان زبده دین، پیروی نماید. اصل مراجعه به امامان معصوم برای فهم وظیفه فردی و اجتماعی و نیز مراجعه به فقهای جامع‌الشرایط در روزگاران غیبت از همین قاعده نشأت گرفته است.

بعضا تعدد دیدگاهها و سلاقی و برداشت‌های فقیهان در عصر غیبت معصوم علیه السلام نباید فرد را از اصل مراجعه به فقیه و کارشناس دین منصرف نماید که جداشدن گمراهی را بدنبال دارد:

قطع این مرحله بی‌همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی...



بسیارند در تاریخ، کنشگرانی که بدون اذن امام و فقاہت پای در میدان حرکات اجتماعی گذاشتند و تباه شدند. بصیرت و زمان آگاهی و دین شناسی و تقید و تقوی و اخلاص، دستمایه نجات در فتنه‌ها و انقلاب‌ها و بحران‌هاست.

عقل و نقل ما را به "تمسک به ثقلین" فرا خوانده‌اند: پیروی از قرآن و عترت که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي<sup>۱</sup> به آن دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد. قرآن پیام وحی و عترت نگاهبان آن است از تحریف و تدلیس.

بگذاریم دستمان را در دست قرآن و ولی الله اعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف تا دین در متن زندگی مان باشد و نه حاشیه آن!

۱. حدیث ثقلین وسایل الشیعه ج ۲۷ ص ۲۳.

## تمنای باران

زمستان‌های غیبت، دل‌های منتظران فرش راه  
شماست...

آب را گم کرده‌ایم و تشنه‌ام به این سوی و آن سوی  
می‌دویم و جز سراب نصیب نمی‌گیریم!

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: "ای عمار! خداوند با من عهد فرمود که از  
نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَام، نه امام قرار دهد که نهمین آنها از  
دیده‌ها غایب گردد (و سپس ظهور کند) این همان  
سخن خداست که در قرآن فرمود:

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ  
مَعِينٍ﴾ (بگو اگر ببینید که آب از دسترس شما بیرون  
شود پس چه کسی برای شما آبی صاف و گوارا برساند!؟)

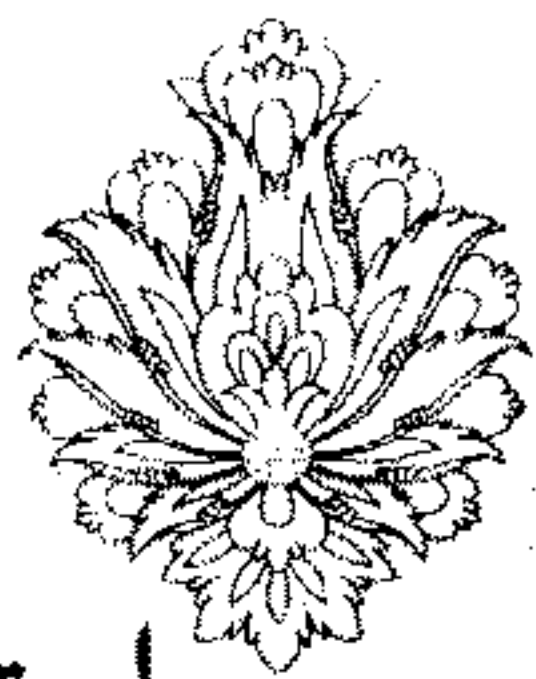
او غیبتی طولانی دارد که گروهی از اعتقاد به آن حضرت  
باز می‌گردند و جمعی بر آن ثابت می‌مانند، چون آخر  
الزمان شود ظهور می‌کند و دنیا را از عدل و داد پر می‌کند  
و برای تأویل قرآن می‌جنگد آنچنان که من بر تنزیل آن  
جنگیدم، او همان من و شبیه‌ترین مردم به من است.  
ای عمار بزودی بعد از من فتنه برپا خواهد شد، هرگاه  
چنین شد از علی عَلَيْهِ السَّلَام و گروه او پیروی کن<sup>۱</sup>...

بس است هرچه در این قرن‌ها و سالیان، به سراب‌ها  
دلخوش کردیم و نتیجه‌ای نگرفتیم...

چشمه‌ساران را بجوییم، باران را تمنا کنیم...

۱. ملک / ۳۰.

۲. کفایة الاثر: ص ۲۰- و بحار الانوار ج ۳۶ ص ۳۲۶.



## استغاثه

وقتی باورمان شد که بی تو هیچیم و با تو همه چیز، تو را  
بلندتر از همیشه فریاد می‌کنیم و به سویت می‌شتابیم...  
وقتی همه برنامه‌های ما اسیر مکر دشمنان رنگارنگ  
ابلیس مدار شد، به تو استغاثه می‌کنیم و آشکارتر از  
همیشه از تو کمک می‌خواهیم...

غفلت، غرور و نسیان آفت اندیشه‌های ماست، عامل  
دوری ما از تو...

روی به سوی تو می‌آوریم و قوی‌تر از همیشه می‌گوییم:

آفرینش را مدار، خلقت را امیر، ای بی بدیل، دریاب ما  
را ای عزیز...

مپسند دشمنانمان خوشحال باشند از اختلاف ما، تیر  
جفا بر دل دوستان نشیند، چشم‌ها اشکبار و فتنه‌ها  
بی‌شمار...

ای امت را پناه، به پناه تو آمده‌ایم پناهمان باش، یاری‌مان  
کن...

باطل سحر فتنه‌گران، نام خطیر توست: نجات بخش  
جهانیان، کوکب درخشان آسمان هدایت...

باید هر ثانیه تو را فریاد کنیم و نمی‌کنیم و غافلیم...

کوتاه کنم ای غوث ما، شعار ماست امروز:

- کودک و نوجوان، مرد و زن، پیر و جوان، عالم و دانشجو،  
رهبر و پیرو - المستغاث بک یا صاحب الزمان...

## فریادهای المستغاث

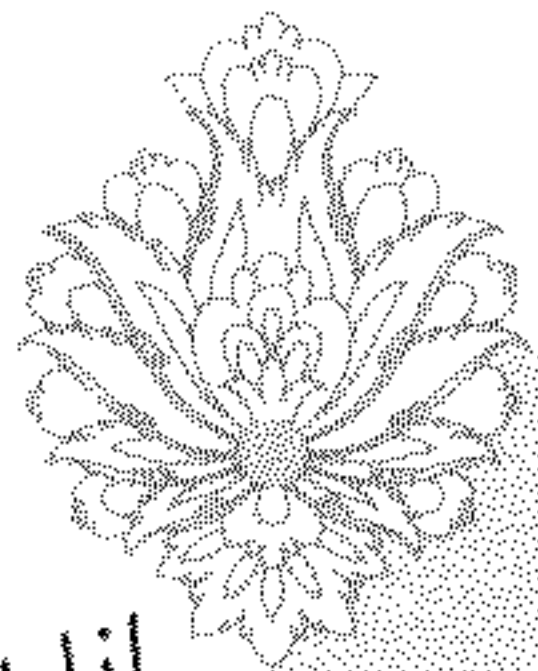
وقتی شنید قبر "حجر" را دریده‌اند و مقبره "جعفر" را به آتش کشیده‌اند تا از شیعیان علی انتقام بستانند، نگاهش از فرط حیرت از این همه قساوت به گوشه‌ای خیره ماند و حتی اشک هم برگونه‌اش خشکید تا نشان بهتی باشد از آن همه شقاوت و عداوت و رذالت... تنش لرزید و با خود گفت: نوبت سوم به سراغ کدام قبر خواهند رفت؟ قبر فرزندان علی و زهرا؟! بی‌تاب شد و سر بر دیوار گذاشت و با حالت اضطرار به تبعیت از استاد دست پر سرنهاد و مویه‌کنان فریاد زد:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

با خود گفت فرزندان القاعده و سپاه صحابه و جنده‌الله و حزب الفرقان و جبهه النصره و داعش و جماعت تکفیری، بقیه السیف همان "جحدة الکفره" اند نماد" احقاداً بدریه و خیبریه و حنینیه"، سرشار از کینه آل علی که گویا آتش زدن باب بیتی که رسول خدا بر آن بوسه می زد و شکافتن فرق علی و تیرباران تابوت مجتبی و قتل عام شهیدان کربلا و اسارت آل الله و مقتول و مسموم کردن ائمه هدی، قلب سنگشان را التیام نداده که حالا شیعیان علی را هر کجا که باشند زنده یا مرده و حتی قرن‌ها در خاک خفته، پیدا کنند و با گلوله و بمب و شمشیر و انفجار تکه تکه کنند و نبش قبر نمایند و انتقام گیرند... دلش آتش گرفت و فریاد زد:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

۱. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

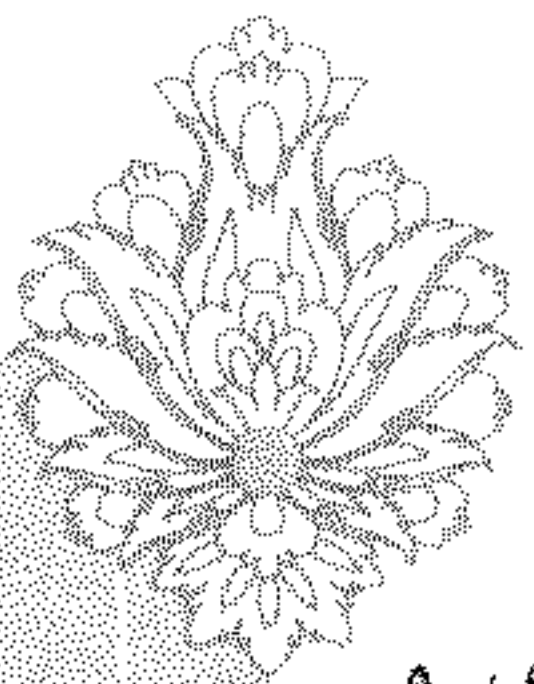


اندیشید: مگر آل علی چه کردند با این امت که باید این خشونت‌ها بر آنان فرود آید؟ نه که سه روز گرسنه، روزه گرفتند و ایثار کردند و نان خویش به یتیم و مسکین و اسیر بخشیدند تا اندوه گرسنگی از چهره آنها بزدايند به قیمت ناتوانی و رنج و ضعف خویش؟!

نه که خانه‌شان پناه فقیران بود و ملجای درماندگان و شانه‌هاشان مجروح بود از کشیدن کیسه غذا برای یتیمان و غریبان و بیوه زنان و کلامشان نور بود برای گمراهان و علمشان روشنگر بود برای دانش پژوهان و شمشیرشان آخته بود برای دفع قاسطان و مارقان و ناکثان و صلحشان حفظ و امان بود برای مؤمنان و قیامشان ضمان بود برای حفظ قرآن و اسلام و اهل ایمان... آیا سزایشان مرگ بود و زهر بود و شهادت و اسارت... و سزای یارانشان، زندان و انفجار و کشتار و نبش قبر و آتش زدن مزار و قتل عام؟ دگر بارخواند:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

با خود گفت: بس نبود افکندن نخل قامت آل الله و فرزندان فاطمه در گوشه گوشه زمین، که مزارشان نشان مظلومیتشان و نماد جفا در حقشان بوده و هست؟ بس نبود خون صدها هزار شهید به جرم شیعه آنها بودن و راه آنان را رفتن و منش شان را گزیدن و به آنها عشق ورزیدن؟ بس نبود محروم کردن آنان از دیدن امامشان و تحمیل غیبت بر ولایشان و وارد کردن غصه و غم بر آحادشان و تباه کردن ثمره تلاششان و اهتمام بر اختلاف و تفرقه در جمعشان و اضلال و فریب ضعفایشان و مکر و حيله در کارشان و غارت دستاوردهایشان و وارد کردن انواع تهمت‌ها و افتراها و آزردهایشان با انواع دروغ‌ها و زخم



زبان‌ها و تهاجم و دستگیری و زندان و سلول و انفرادی و تحقیر و توهین. مضطرانه فریاد زد:

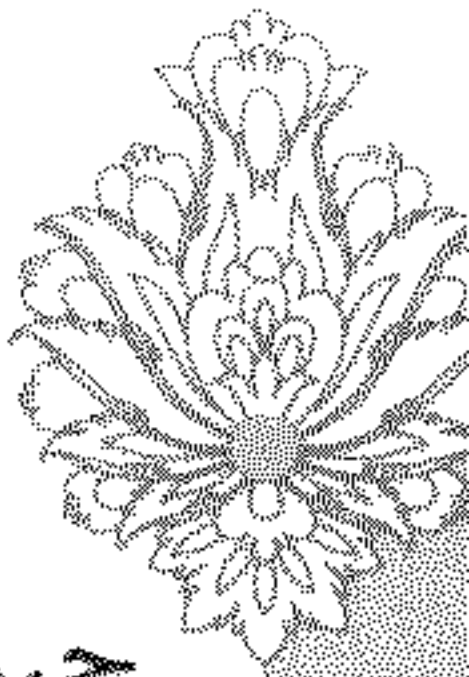
المستغاث بك يا صاحب الزمان...

این شب‌ها هراسناک از خواب می‌پرد و نگرانی و اندوه بر جان‌ش می‌نشیند که خدایا بعد از قبر "حجر" و "جعفر" به سراغ کدام قبر خواهند رفت و کدامین مزار را به آتش خواهند کشید؟ همان اشقیائی که با چراغ سبز کاخ سیاه و حمایت یهود عنود از ریاض و دوحه، زرستانده‌اند تا به نیابت شمر و یزید خون محبان آل الله را بریزند، نکند از اردن و شام بسوی عراق رهسپار شوند و فاجعه هفت سال پیش سامرا را تکرار کنند و آتش بر قلب‌ها زنند؟ زبانم لال نکند به کربلا و نجف روند و بخواهند از مزار علی و فرزندان او انتقام ستانند و جنایت را به اوج رسانند و ملکوت عرش الاهی را به لرزه در آورند؟ ... ضجه زنان و مویه کنان دست به آسمان برداشت:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

هنوز در غوغای این مصیبت‌ها حیرت زده است که می‌شنود اصحاب شیطان در حیف، دوباره انتخابات داشته و تجدید قوا کرده‌اند و خیز برداشته‌اند تا در بیت ظلم خویش، با تبلیغ تهاجمی برای اضلال اهالی قبله اقدام کنند و آنچه را تکفیریان با کشتار نتوانسته‌اند از پا در آورند با اضلال خویش بمیرانند و به سپاه کفر ملحق سازند و دستشان را از دامان ولی الله کوتاه کنند و بر میته‌های جاهلیت بیفزایند تا همپای تکفیریان که با تله‌های انفجاری و بمب و گلوله باران و قتل و جنایت و غارت رشته حیات مادی افراد را می‌برند آنها هم رشته





حیات معنوی مؤمنان را قطع کنند و ابلیس را راضی تر کنند:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

به یاد ندارد در خواننده‌های تاریخی خود شقاوتی به این حجم و وسعت ثبت شده و ظلمی اینچنین بر محبان آل الله رفته باشد: از یک سو کشتار و شقاوت از عراق تا کویت، از شام تا قطیف، از بحرین تا کشمیر، از پاراچنار تا حلب، از مرج عذرا تا سامرا، از مزار شریف تا مزار جعفر، و صدها مشهد و قربانگاه برای کودکان و مادران و پیران و بی دفاعان و بیگناهان و از سوی دیگر لشکر انحراف از حجره‌های طالبان در پاکستان تا خدا گریزان و دین ستیزان در این سوی و آن سوی جهان، از تفرقه افکنان الازهر تا نفاق افکنان بعضی مساجد زاهدان، از بت پرستان میانمار تا مبلغان ایقان، از لوتوس هند تا مشرق الاذکار استرالیا و کامپالا، از قرضای ها و تبشیری ها و امواج زهر آگین "المستقله" و "نور" و "اندیشه" تا "نوبین" و پیام دوست و... امواج سم پراکن اغنام و فضاهاى مسموم سایبر و رسانه‌های معاند که همچون دو لبه قیچی به مرگ جسمی و روحی مؤمنان کمر بسته‌اند و هر روز حیات مادی و معنوی ایمانیان را آماج حمله‌های خود می‌سازند و مدافعی نیست بلکه دست مرزبانان و مبارزان بسته اما گرگان رها شده و آزاد تا رمه را بدرند و امت مظلوم در روزگاران غیبت و عسرت، بی‌یاور و بی‌حامی فریاد می‌زند:

المستغاث بك يا صاحب الزمان...

## ما و علائم ظهور

غیبت امام عصر ارواحنا فداه، بی شک حکمتی در دل حکمت‌های بالغه الهی دارد...

آزمون خلق در وفاداری به پیمان، نگاهداری حجت خدا از گزند دشمنان، سنتی الهی همچون سنن انبیای پیشین، رازی الهی که افشایش ناخشنودی پرسشگران را بدنبال دارد. استناد به آیه شریفه ﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾<sup>۱</sup> و... از جمله مواردی است که در روایات علل غیبت آمده است.

به دنبال وقوع غیبت، انتظار ظهور و فرج الهی وظیفه خطیر رهروان امامت معرفی و در روایات وظایف متعددی برای منتظران نام برده شده است:

وفاء به پیمان، تقوا، محاسن اخلاق، دعای کثیر برفرج، مرزبانی و...

در این میان ماهیت ظهور، بدائی معرفی شده و بر چشم براهی همیشگی در روزان و شبان غیبت تأکید شده است: "امرفرج صاحب را هر صبح و شب منتظر باش"<sup>۲</sup> و "خداوند ظهور او را یک شبه اصلاح می‌فرماید"<sup>۳</sup>...

روایات علائم ظهور بر این اساس، همه بداء پذیر و از دایره شروط ظهور خارج هستند. لذا ظهور شرطی ندارد که علائم ظهور بتوانند آن را حد بزنند چه رسد به تطبیق علائم با این و آن که بدون مبناست. باید وظیفه را شناخت و به آن عمل نمود که در روایت است:

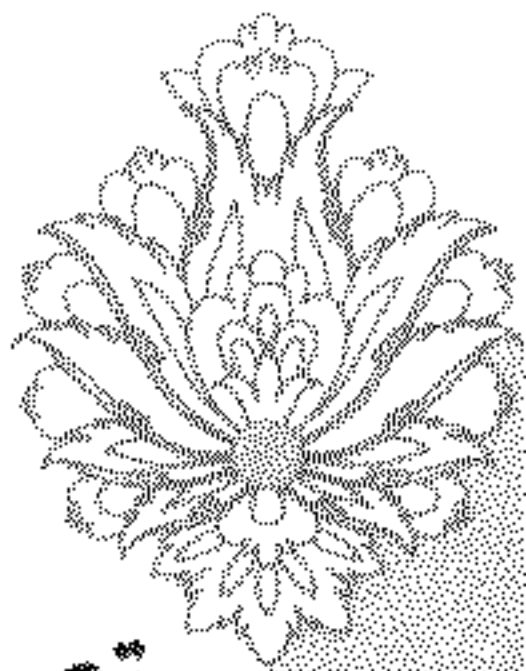
کسی که این امر را بشناسد، نزدیکی و دوری فرج، به او زیان نمی‌رساند...<sup>۴</sup>

۱. المائدة / ۱۰۱.

۲. اقبال الاعمال ج ۱ ص ۳۶۸.

۳. کمال الدین ج ۱ ص ۱۵۲.

۴. کافی ج ۱ ص ۳۷۲.



## تصاویر تاریخی انتظار

دریغا که ضعف تاریخ‌نگاری ما و نیز تعصب‌های مورخان با گرایش‌های مخالف مهدویت، مانع ثبت و ضبط تاریخی حماسه‌های انتظار بوده است. بی‌تردید شیعیان در طول تاریخ غیبت صغری و کبری، علی‌رغم استبداد حاکم و فشارها و محدودیت‌ها و شکنجه‌ها و قتل‌ها، شکوه انتظار قیام منجی عدالت‌گستر را به نمایش می‌گذاشته‌اند اما یا ثبت تاریخی نشده و یا این گزارش‌ها توسط مخالفان از بین رفته است.

خوشبختانه از میان حماسه‌های متعدد، تنها چند گزارش تاریخی از قرن هفتم و هشتم در یک فاصله حدود یکصد و پنجاه ساله از یکی دو شهر ایران باقی مانده که نمونه‌ای از این حماسه‌هاست که از افتخارات جامعه منتظران است. این سه گزارش که سه تصویر زیبا از شور تاریخی انتظار را نشان می‌دهد، بدون شرح و تفسیر تقدیم حضورتان می‌شود:

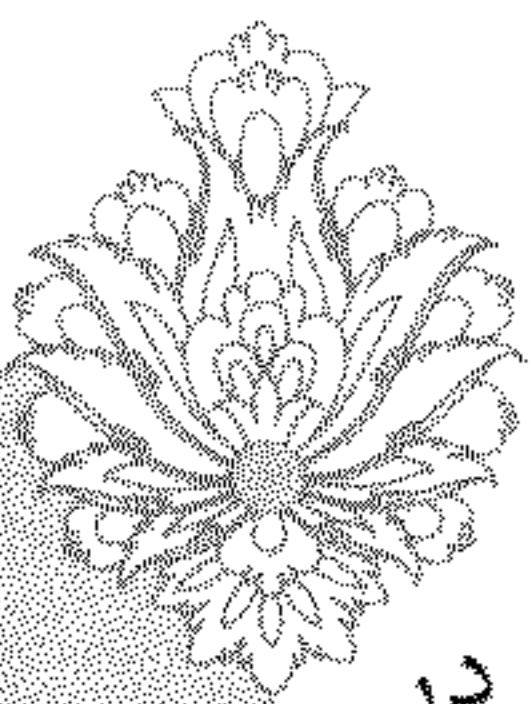
۱. قرن هفتم: گزارشگر و مورخ: یاقوت حموی<sup>۱</sup> در کتاب معجم البلدان:

هر روز هنگام سپیده دم:

حموی، مورخ معروف قرن هفتم هجری می‌نویسد: "در سال‌های نخست تسلط مغولان بر ایران، مردم شهر کاشان، هر روز هنگام سپیده دم، از دروازه خارج می‌شدند و اسب زین کرده‌ای را یدک می‌بردند، تا حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فرجه الشریف در صورت ظهور بر آن اسب سوار شوند..."

۲. قرن هفتم:

۱. متوفی ۵۶۲۶. ق.



گزارشگر و مورخ: زکریا بن محمد بن محمود قزوینی<sup>۱</sup> در کتاب اخبار العباد و آثار البلاد:

هر صبح جمعه:

"شیعیان قم و کاشان هر صبح جمعه مسلح و مجهز با اسبان سواری از شهر بیرون می‌آیند و در بیابان، حالت انتظار دارند که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف بیاید و اینان در رکابش باشند، وقت می‌گذرد و اینان بر می‌گردند اما با تأسف می‌گویند: این جمعه هم نیامد."

۳. قرن هشتم:

گزارشگر و مورخ: ابن بطوطه<sup>۲</sup> در سفرنامه خود (رحلات ابن بطوطه) ذیل عنوان «ندبه شیعیان حله برای امام زمان» آورده است که:

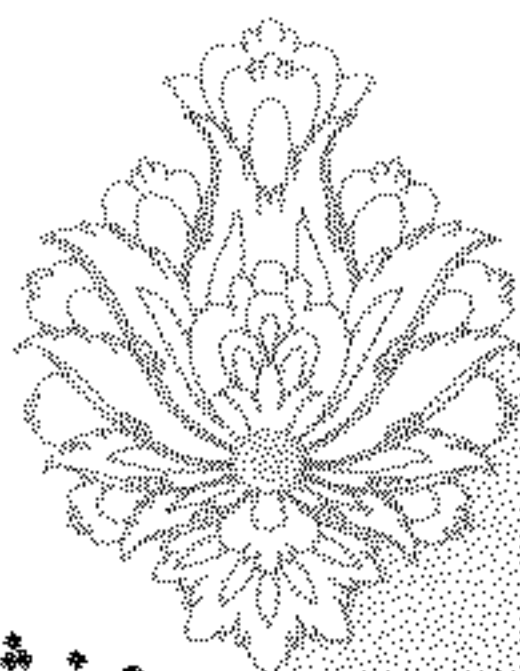
هر شب پس از نماز:

"در نزدیکی بازار بزرگ شهر [حله] شهری در نزدیکی نجف که در آن موقع جزو ایران بود)، مسجدی قرار دارد که بر در آن پرده حریری آویزان است و آن جا را مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خوانند. شب‌ها پس از نماز، صد نفر مرد مسلح با شمشیرهای آویخته اسبی یا استری را گرفته و به سوی همان مسجد روانه می‌شوند. سایر مردم از طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد می‌رسند در برابر در ایستاده، آواز می‌دهند که: «بسم الله ای صاحب الزمان بسم الله! بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی تا خدا به وسیله توحق را از باطل جدا کند."

این است راه و رسم آمادگی همیشگی و انتظار حقیقی و حماسه اعتقاد مهدوی و شور صاحب الزمانی!

۱. ۶۰۵ تا ۶۸۲ ه. ق.

۲. متوفی ۷۷۹ ق.



## منشور هوشیاری!

بسیار دام در این مرغزار نهاده‌اند تا پرندگان و مرغان بالگستر و تیزپا را اسیر و زمینگیر کنند و از پرواز و جنبش باز دارند... اندکی آگاهی، خرده‌ای هوشیاری در پروازیان، دام چینان و صیادان را ناکام خواهد کرد اگر پروازیان همت کنند...

۱. اهالی قبله، از هر نژاد و رنگ و کشور و مذهبی ضروری است ید واحد باشند و از تشتت و نزاع و اختلاف پرهیزند چنانکه لازم است هماره یکدیگر را به اتحاد در برابر دشمنان تذکر دهند و فراخوانند.

۲. خود را به زیور دانش و بینش و بصیرت و کیاست مزین کنند تا هر روزشان بهتر از دیروزشان گردد.

۳. به تربیت و پرورش نیروهای جوان همت گمارند تا نسل مروجان و مبلغان مجاهدان در تزايد باشد.

۴. از ترفندها و فریب و مکر و خدعه دشمنان غافل نشوند که نتیجه‌اش همان در افتادن در دام‌هاست.

۵. صدق و صفا و اخلاص و یکرنگی و دوستی و احسان با یاران را در هر جا سجیه خود سازند.

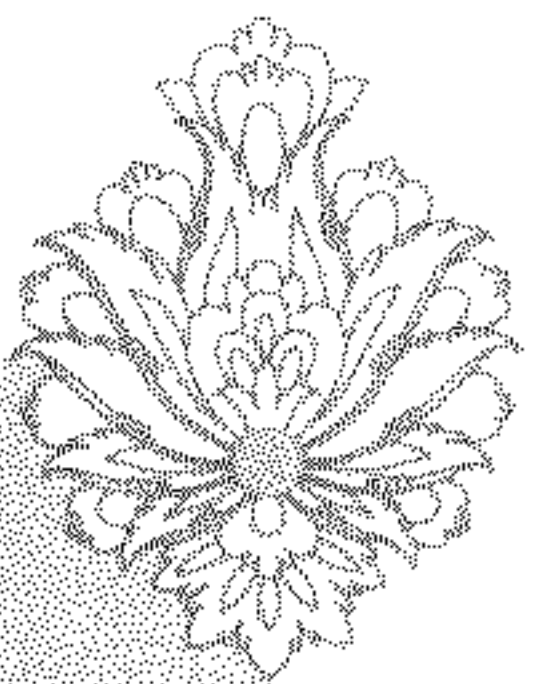
۶. افق‌های دور را ببینند و آرمان‌ها را در نظر گیرند و برایش برنامه ریزند و از تلاش لمحهای باز نمانند.

۷. خود را بی‌صاحب و فریادرس ندانند و مدام در شدائد و مشکلات به او متوسل شوند و از او مدد خواهند.

۸. از سرزنش و سخره معاندان، هراس نکنند بلکه کوشاتر و پرانرژی‌تر و مصمم‌تر به وظیفه عمل نمایند.

۹. با دانش مدیریت و اغتنام فرصت‌های گرانبها همه برنامه‌های طراحی شده را دست یافتنی سازند.

۱۰. از هر شکست و ناکامی نومید نشوند و از آن پلی سازند برای جبران مافات و وصول به پیروزی. این است مرام متوسلان به حجت خدا در عصری که متعلق است به او که روح زمان و آفرینش هماوست...



## عذر تقصیر به پیشگاه قطب زمان

شمیم دل‌انگیز شعبان بار دیگر مشام منتظران را  
عطراآگین نموده است...

از کوی دلبران و جوی مولیان و نسیم سحرگهان: یاد یار  
مهربان آید همی...!

سالی دگر در غیبت آن عزیز گذشت سالی که سرشار بود  
از قصور و تقصیرهای ما...

چه روزها که به غفلت از یاد آن عزیز گذشت،

چه قصورها که در خدمتگزاری اعمال شد،

چه تقصیرها که مرتکب شدیم:

دل به دیگری بستیم با غیر او نشستیم و عهد و پیمان  
شکستیم!

نه پاس جمعه‌ها را داشتیم - که بهار یاد و موعد قیامش  
بود -

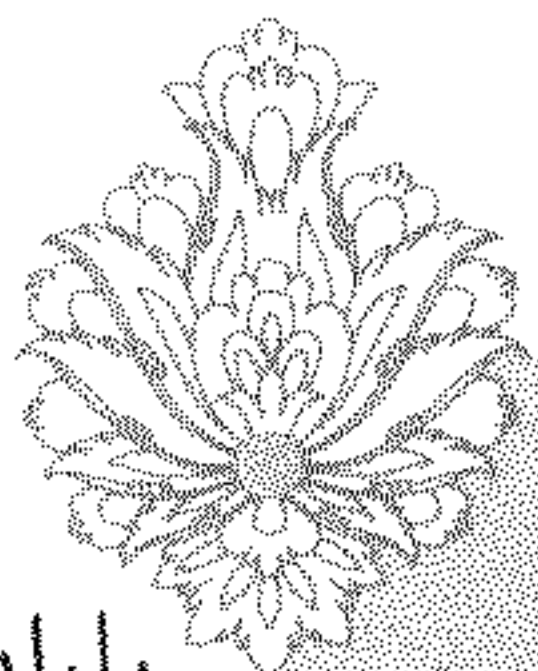
و نه سلام و کلامی کردیم با او در روزهای دیگر و نه شب‌هایی  
را با او به راز و نیاز و نجوای عاشقانه پرداختیم نه به  
زمینه‌سازی ظهورش مشغول شدیم و نه به تبلیغ نام و یاد  
و راهش پرداختیم نه به دفع دشمنانش برخاستیم... و نه  
رسانه‌ها را از یادش آکنده ساختیم نه با کردار نیک یاریش  
کردیم و نه با اجتناب از گناه گامی به او نزدیک شدیم...

حالیا در بهار زادروزش هیأت توبه گیریم و عذر تقصیر  
بریم به پیشگاهش در موسم میلاد شکوهمندش و هم  
صدا با برادران یوسف، یوسف خود را خطاب کنیم:

﴿إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾<sup>۱</sup> ... و بخوانیم: ﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا  
وَ أَهْلَنَّا الضُّرَّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ﴾<sup>۲</sup> ..  
یاران می‌رسند.

۱. یوسف / ۹۷.

۲. یوسف / ۸۸.



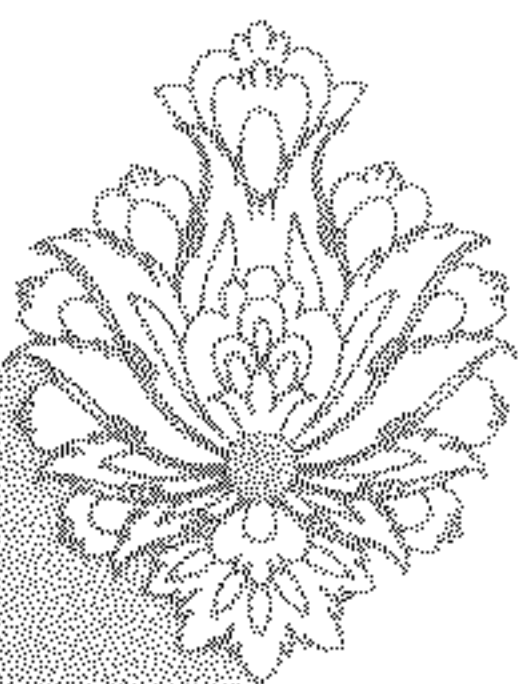
یاران اندک اندک از راه می‌رسند و در جایگاه خود مستقر می‌شوند....

فریاد "هل من ناصر" حسینی در سرزمین نینوا را "لبیک"هایی است در اصلاب و ارحام که به تدریج ظاهر می‌شوند و خروش بر می‌دارند و پرچم به دست می‌گیرند... فرقی هم نمی‌کند در کدامین زمان و مکان و میدان می‌رزمند که لشکر خدایند در همه عرصه‌ها... در صحنه قلم، آنان که بر محور عظمت "حماسه عاشورا" چکامه‌ها می‌سرایند و مقامه‌ها می‌نویسند و شورها می‌آفرینند و آن شکوه را برفراز می‌دارند و ساکت نمی‌نشینند، حسینی‌اند! اینان در گذشت نسل‌ها، نوبه نو می‌آیند و مشتاق و تازه نفس به میدان می‌شتابند و می‌رزمند: یکی دو دهه از عمرشان بیشتر نمی‌گذرد ولی شور حبیب بن مظاهر دارند و مسلم و زهیر و هانی و حرا! معلمانی داشته‌اند از همین صلب و رحم که حسینی و علوی و مهدوی شده‌اند....

آموخته‌اند که لشکر حسینی را یاور باشند و پشتیبان و زود پای به رکاب شوند....

این لشکر را امروز امیری است از تبار حسین، صاحب و مولا و سرور زمان حضرت صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ که جان جهان است و قطب زمان و فرمانروای عالم امکان...

که یاران به او اقتدا می‌کنند تا منتقم خون آن سالار شهیدان باشد؛ یا لثارات الحسین... و امروز چشم‌ها روشن است به یاران جوانی که از راه می‌رسند تا لشکر مرزبانی را انبوه‌تر کنند و لبیک گویان به میدان خدمت بشتابند که می‌شتابند....



## گشایشی نزدیک

امام، خلیفه و ذخیره و حجت خدا در زمین است و دست قدرتمند او در هستی.

حضورش (چه ظاهر باشد و چه غائب) موجب بقای کائنات و تداوم هدایت و نزول برکات است.

اگر خورشید جمالش ظاهر باشد، چشمشان منور به زیارتش خواهد بود و جان به دیدارش تابناک. اما اگر غائب باشد و در پس ابرهای غیبت، از این حرمان افسرده و دل‌تنگ می‌شوند بسان کسی که زمین بر او تنگ شده و آسمان برایش سترون.

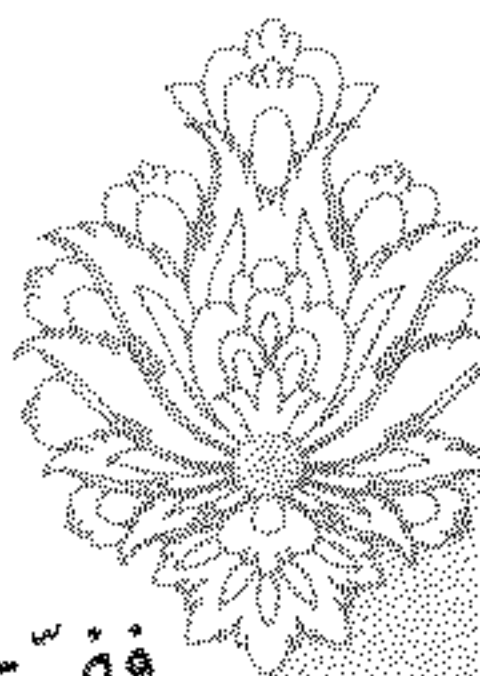
این حال منتظران است در روزگاران غیبت مولایشان امام عصر ارواح العالمین له الفداء.

آنان در دعای فرج، از بلای بزرگ حرمان سخن می‌گویند و قطع امید از مردمان و تنگی زمین و نازائی آسمان و قحطی باران و در این هنگامه، گریان و مویه زنان و شکوه کنان می‌خوانند:

الهی عظم البلاء... وانقطع الرجاء و ضاقت الارض و منعت السماء...

و سپس خدای مستعان را فریاد می‌کنند و از این حرمان شکوه به ساحت قدسی او می‌برند و او را به دو سرمایه عظیم هستی (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام) و حق آنان بر همگان، سوگند می‌دهند و به آنان متوسل می‌شوند که "گشایشی نزدیک" را برایشان رقم زند:





فَفَرِّجْ عَنَا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ  
أَقْرَبُ...

آن چنان زود که نزدیک تر از یک چشم به هم زدن باشد  
یا کمتر از آن!

و بعد از آن دو استوانه آفرینش می خواهند که ایشان را  
کفایت کند و نصرت بخشد زیرا تنها آنانند که نصرت  
بخش و کفایت کننده اند: اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمْ كَافِيَانِ وَ  
اَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمْ نَاصِرَانِ.

و در فرجام این حماسه و نیایش، دست تمسک به دامن  
خود آن فرمانفرمای هستی که فریادرس و دستگیر است -  
یعنی صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - می زنند و فریاد می کنند:  
هم اینک، هم اینک، هم اینک!

بسیار زود و شتابناک و نزدیک...

یا مولانا یا صاحب الزمان، الغوث الغوث الغوث،  
ادرکنی ادرکنی ادرکنی، الساعه الساعه الساعه، العجل  
العجل العجل، یا ارحم الراحمین.

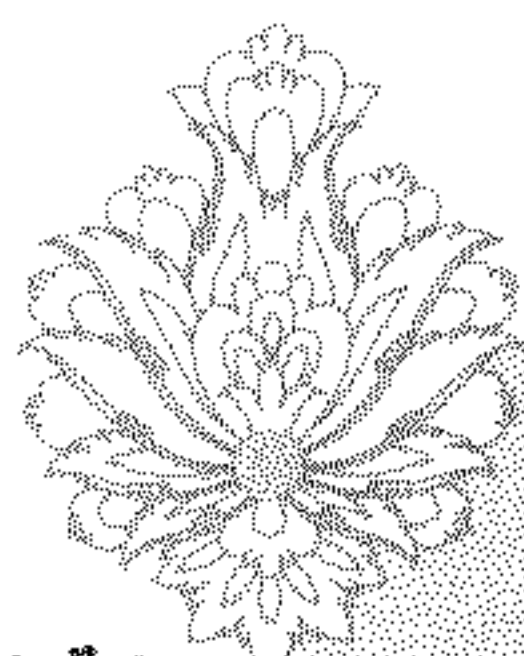
این است حماسه هر روزه منتظران با خدای بزرگشان،  
اولوالامرشان، پیامبر و امامشان و با صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ!  
به ویژه در روزها و ساعات و لحظه ای نورانی شان در ماه  
فرج، ماه شعبان!

## امین الله

زیارت امین الله از مشهورترین و مستندترین زیاراتی است که در نهایت اعتبار است و در تمام کتب مزاریه و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی قدس سره فرموده که آن از بهترین زیارات است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بر آن مواظبت شود و در کامل الزیارات» و مفاتیح الجنان نیز این زیارت نقل شده است و کیفیت آن چنان است که به سندهای معتبر از جابر روایت شده از امام محمد باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و این زیارت را خواند و فرمود: السلام عليك يا امين الله في ارضه... (تا آخر زیارت) و فرمود:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور حتم و بی شک، دعایش در صندوقچه‌ای از نور بالا می‌رود و تسلیم قائم آل محمد ارواحنا فداه می‌شود. این زیارت که زیارت امام معصوم است برای امام معصوم علیه السلام از زیاراتی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است و ایشان در این دیدار تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت‌هاست. بنابراین زیارت امین الله جزو زیارت‌های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم‌های اهل بیت علیهم السلام می‌توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهم السلام در شهر کاظمین خواندند.

مفاهیم معرفتی، از توحید تا ولایت و امام شناسی و دنیا و آخرت پژوهی و ادب و اخلاق و تربیت دینی در این



متن نورانی موج می زند به نوعی که هر فرازش کهکشانی از معنا و عرفان در آسمان معرفت دینی است:

«اللهم إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْبَةُ...اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرتك... أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ... أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً...»<sup>۱</sup> چنان که بهترین ادب ورود و وداع را در این زیارت شریف، از معصوم می توان آموخت. در فراز وداع و پایانی آن می خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَليُّ نِعْمَائِي وَ مُنْتَهَى مُنَايَ وَ غَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ اغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَ اشْغَلْهُمْ عَنِّ أَدَانَا وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ ادْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۲</sup>

تأکید بر آشکار نمودن "کلمه حق" که مصداق اتمش حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف است، حسن انجام و ختام این زیارت شریف است که "ختامه مسک" و با این عبارات، هرباره درهای اجابت را برای فرج شکوهمند مهدوی در آستان ربوبی می گویم:

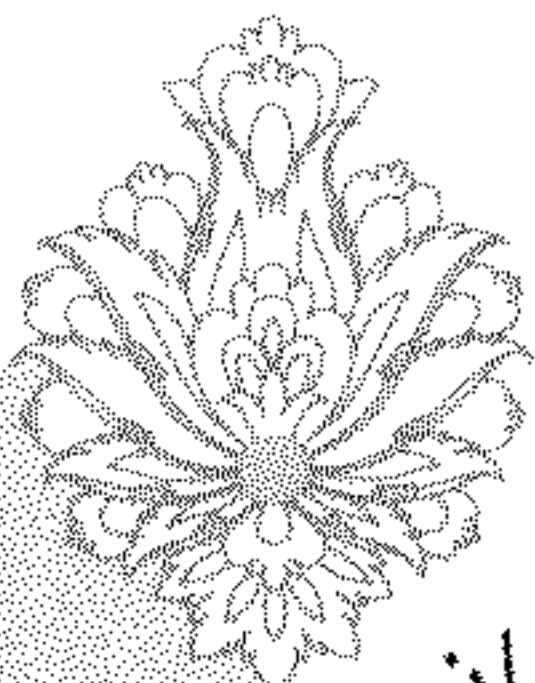
اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَ ادْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...<sup>۳</sup>

مداومت کنیم هر زمان و هر فرصتی را برای تقرب به آستان ربوبی با این زیارت نورانی... مفاهیم معرفتی، از توحید تا ولایت و امام شناسی و دنیا و آخرت پژوهی و ادب و اخلاق و تربیت دینی در این متن نورانی موج می زند به

۱. مفاتیح الجنان، رسالت ابن الله.

۲. همان.

۳. همان.



نوعی که هر فرازش کهکشانی از معنا و عرفان در آسمان معرفت دینی است:

«اللهم إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْئَةُ... اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مَطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ... أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ ... أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْضُوعَةً.»<sup>۱</sup> چنان که بهترین ادب ورود و وداع را در این زیارت شریف، از معصوم می‌توان آموخت. در فراز وداع و پایانی آن می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ إِنَّكَ وَليُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ إِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنِّ أَدَانَا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۲</sup>

تأکید بر آشکار نمودن "کلمه حق" که مصداق اتمش حضرت صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ است، حسن انجام و ختام این زیارت شریف است که "ختامه مسک" ..

و با این عبارات، هرباره درهای اجابت را برای فرج شکوهمند مهدوی در آستان ربوبی می‌گوییم:

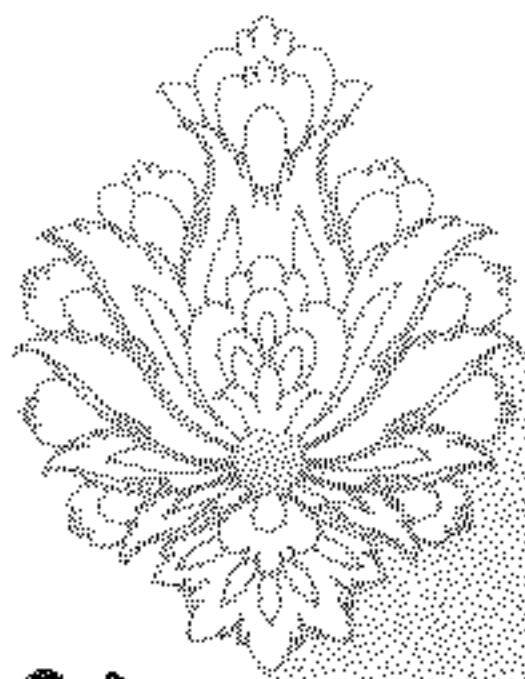
اللَّهُمَّ وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۳</sup>

مداومت کنیم به آن در هر زمان و هر فرصتی را برای تقرب به آستان ربوبی مغتنم شمیریم با این زیارت نورانی...

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.



## دعای فرج

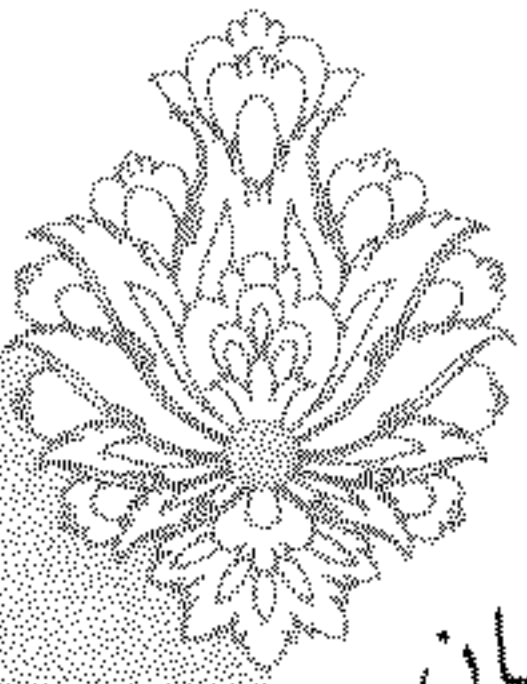
سپاس خدای را که در این سال‌های اخیر، دعای بسیار مهم (اللهم کن لولیک...) که نزد خواص به دعای فرج مشهور بوده و به خواندنش اهتمام داشته‌اند رواج همگانی یافته و بر زبان اغلب مردم از پیر و جوان و در زمان‌های مختلف بویژه پس از اذان و در قنوت‌ها و زیارات و منابر و خطابه‌ها و توسلات و مراسم صبحگاهی مدارس و دیگر مراسم و مراکز و خلاصه همه اوقاتی که در مظان اجابت دعاست، ساری و جاری است.

اصل این دعا در اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان وارد شده اما فرموده‌اند که در همه ساعات و لحظات این شب و هم در اوقات دیگر و هر زمانی که میسر شد در قیام و قعود و سجود و در هر حال و موقعیتی از عمر که فرصت بود این دعا خوانده و تکرار شود. ترتیب خواندنش هم این است که پس از حمد خداوند و سپس صلوات بر پیامبر و اهل بیت او، دعا قرائت شود.<sup>۱</sup> متن روایت چنین است:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ... (الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ) فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا [وَعَوْنًا] حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ [وَتَمَكِّنَهُ] فِيهَا طَوِيلًا

خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات، برای ولی خود حجة بن الحسن (که دروذهایت بر او و پدران‌ش باد)

۱. و دعا چنان که شیخ کلینی در الکافی فروع ۴ / ۱۶۲ و شیخ طوسی در تهذیب الأحكام الجزء الثالث صفحه ۱۰۲.

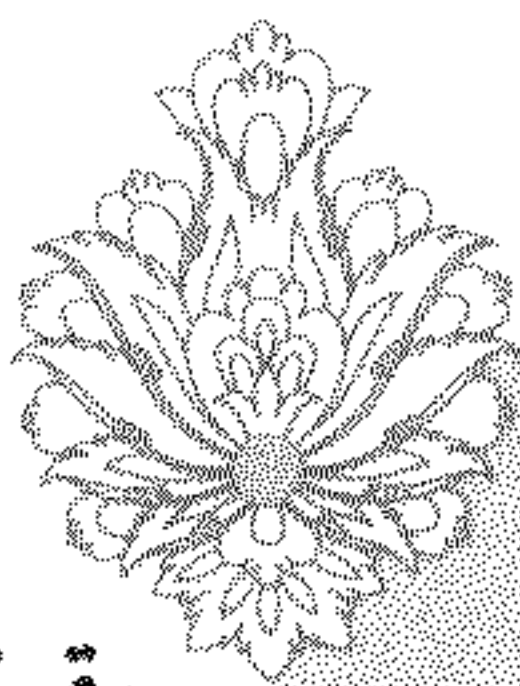


سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گرو راهنما و دیدبان [و کمک کننده] باش، تا او را به صورتی که خوشایند اوست و همه از او فرمانبری می‌نمایند در زمین ساکن گردانیده، و مدت زمان طولانی در آن بهره‌مندسازی [و تمکین بخشی].

بنابراین قبل از شروع دعا باید با عباراتی چون (الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی النبی و آله اجمعین) به استقبال دعا رفت و با حضور قلب برای آن امام همام، دعا نمود و از خدا خواست تا برایش ولی و حافظ و قائد و ناصر و دلیل و عین و عون باشد و او را برای مدت طولانی در زمین تمتیع و تمکین نماید. یکی از محققین با توجه به نسخه شیخ طوسی، واژه تمکین را (با توجه به شواهد متقن قرآنی) صحیح دانسته و معتقد است هنگام نوشتن نسخه‌ها، احتمالاً تصحیفی رخ داده است.<sup>۱</sup>

تأمل در این دعای شریف به ویژه عبارات ولی و حافظ و قائد و ناصر و دلیل و عین و عون و نیز واژه تمکین، ابوابی از معرفت در مورد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای طالبان معرفت می‌گشاید. رزقنا الله و ایاکم!

۱. دعاء الفرج، جعفر الحیدری / سایت «النجف».



## بقیة الله ذخیره الاهی!

یکی از القاب مشهور امام عصر ارواحنا فدا، "بقیة الله" است که از این آیه شریفه نشأت گرفته است:

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>

یعنی سرمایه و ذخیره خدائی (باقی گزارده الاهی) برای شما بهتر است اگر مؤمن هستید.

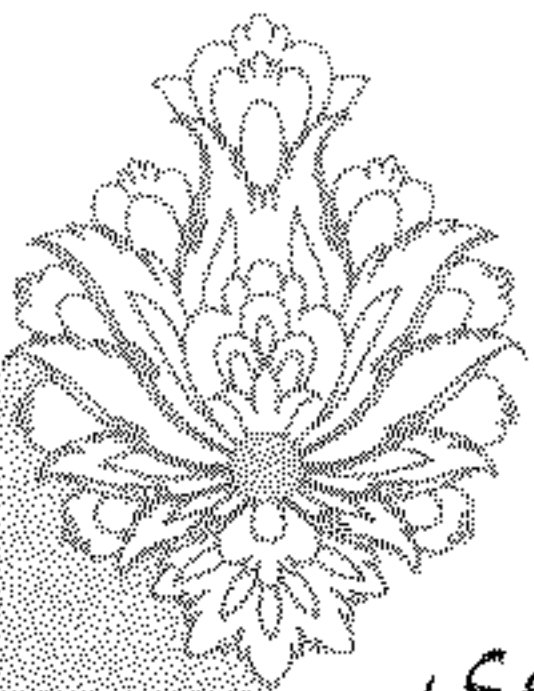
پیامبر خدا شعیب، خطاب به قوم خویش که به بیماری اقتصادی کم فروشی به قصد سود بیشتر مبتلا بودند هشدار فرمود که به سود حلال و ذخیره نهاده الاهی و باقی گزارده خدایی راضی باشید که این برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید...

در تأویل و تفسیر آیه شریفه، آورده اند که آخرین ذخیره الاهی - امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ - برترین مصداق بقیة الله هستند که مایه بیشترین خیر و برکت برای جامعه بشری هستند. به روایت منقول در نور الابصار شبلنجی - دانشمند شافعی - آن بزرگوار به هنگام ظهور، بر کعبه تکیه زدند و پس از خواندن این آیه شریفه، اولین سخنی که فرمایند این است که ای مردم من خلیفه خدا و حجت او بر شمایم و مردم نیز وقتی بخواهند بر او سلام کنند می گویند: سلام بر تو ای بقیة الله<sup>۲</sup>...

زمینه و شأن نزول و نیز تأویل آیه شریفه، حاوی درس بزرگی برای منتظران موعود الاهی است که در روزگاران

۱. هود / ۸۶.

۲. تفسیر صافی ج ۲ ص ۴۶۸.

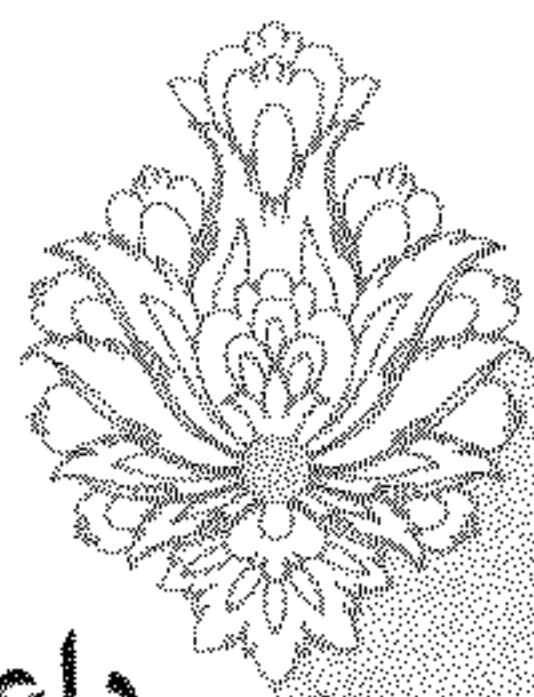


غیبت، به بهانه‌های اقتصادی و دنیوی از حقوق معنوی و دینی و مقررات شریعت کوتاه نیایند و به رضایت حجت و خلیفه خدا راضی باشند و رضایت آن حضرت را به ثمن بخش بهره‌های دنیوی نفروشند که برکاتی که در وجود "بقیة الله" ارواحنا فداه نهاده شده از هر بهره دیگری افزون‌تر است اگر به راستی ایمان داشته باشیم.

دل بدهیم به آخرین هدیه و ذخیره و حجت و خلیفه الاهی، و او را با هیچ چیز عوض نکنیم و صبحگاهان و شامگاهان صدایش کنیم و عرض کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ...





## داعی الله

از زیباترین تعبیر در مورد امام عصر ارواحنا فداه، توصیف آن حضرت به "داعی الله" است.

می خوانیم: "السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ" <sup>۱</sup>.

داعی یا خواهنده، دعاگو و پیشوای دعوتگر است و داعی الله، خداخوان و دعوت کننده به "الله". این توصیف برای سایر امامان معصوم نیز به کار رفته است چنانکه زائران سیدالشهداء خطاب به ایشان عرض می کنند:

لبیک داعی الله، ان كان لم يجبك بدني عند استغاثتك و لساني عند استنصارك، فقد أجابك قلبي و سمعي و بصري...

واین در پاسخ "هل من ناصر" تاریخی آن "داعی الله" در صحرای نینواست که ای داعی الله، اگر در آن هنگام در کربلا نبودیم تا ندای یاورخواهی شما را لبیک گوئیم اکنون با قلب و گوش و چشم خود دعوت شما را لبیک می گوئیم...

اجابت دعوت "داعی الله" بر همگان واجب است چنان که در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ وَ مَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ <sup>۲</sup>﴾

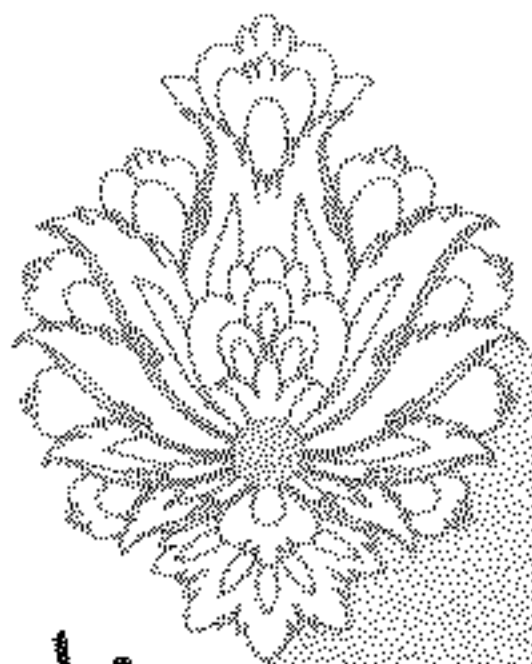
۱. زیارت آل یاسین.

۲. الأحقاف ۳۱ - ۳۲.

اجابت دعوت داعی الله موجب غفران الاهی و دوری از گمراهی ورهایی از عذاب است...

امروز حضرت بقیة الله عَمَلُ اللَّهِ تَعَالَى  
فَرِحَةَ الشَّرِيفِ بالاترین مصداق "داعی الله" در جهان است که همه انسانها را به سوی ذات احدیت و خالق یکتا فرا می خواند. او مربی و معلم توحید، متحقق در معرفة الله و دانای به علوم ربانی و خلیفة الله و حجة الله و سفیر و امام و راهنمای الاهی است. مأموریتش هدایت تکوینی و تشریحی و دعوت انسانها به سوی خدا و شریعت و برنامه اش در هنگام ظهور تحقق توحید و عبودیت در سراسر جهان و استقرار عدالت فراگیر است ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً﴾.

لبیک به این داعی الله و یاوریش به دست و زبان و گوش و قلب برای تحقق برنامه اش در هدایت انسانها و تربیت نسل خداجو و ملتزم به شریعت از واجب ترینهاست: **أجیبوا داعی الله!**



## مدار الدهر و علم النور

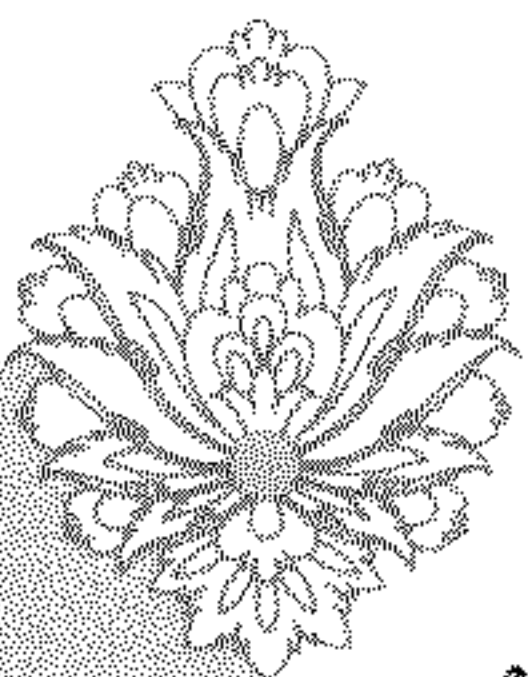
بعد از شب قدر، شبی به فضیلت شب نیمه شعبان نیست. شبی بهشتی که همه شب‌های سال، به فرازمندی و بزرگی‌اش غبطه می‌خوردند و سر بر آستانش می‌سایند. شبی که از آغاز تا کنون، محبوب انبیاء و اولیاء بوده و لحظه لحظه‌اش را پاس می‌داشته و احیا می‌گرفته‌اند. چرا چنین نباشد که شبی است متعلق به آقای آفرینش و عصاره هستی، قلب عالم امکان یعنی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

شیخ طوسی رحمته الله علیه، در کتاب مصباح المتعجد، فرموده است: دعای شریفی است که مستحب است در این شب خوانده شود. فرازهای این دعای شریف، پرده از عظمت این شب برمی‌دارد و به صراحت اعلام می‌دارد که مولود این شب، علم نور در آسمان تیره غیبت و تاریخ ظلمانی انسانی است، مدار و ناموس روزگاران است و کلمه کامل و لایتغیر الاهی و صاحب "ولایت امری" جهان و امیر لیلۃ القدر که یورش فرشتگانند و او دست قدرت الاهی است...

به این تعابیر زیبا دقیق شویم: مدار الدهر، علم نور، ناموس عصر، ولی امر، نور تابان، پرتو درخشان...

کجا این منتظران راستین که از عمق وجود و سویدای جان، آن حضرت را به این اوصاف باور داشته باشند؟!

کسی که فرشتگانند گواهانش و خداست یورش و اوست شمشیر قدرت الاهی که هرگز کند نشود و نور کبریایی که هرگز خاموش نشود و بردباری که بیراهه نرود... اگر او را به این اوصاف باور داشته باشیم، دل به غیر او و زمام امور به کسی جز او می‌دهیم؟! هرگز!

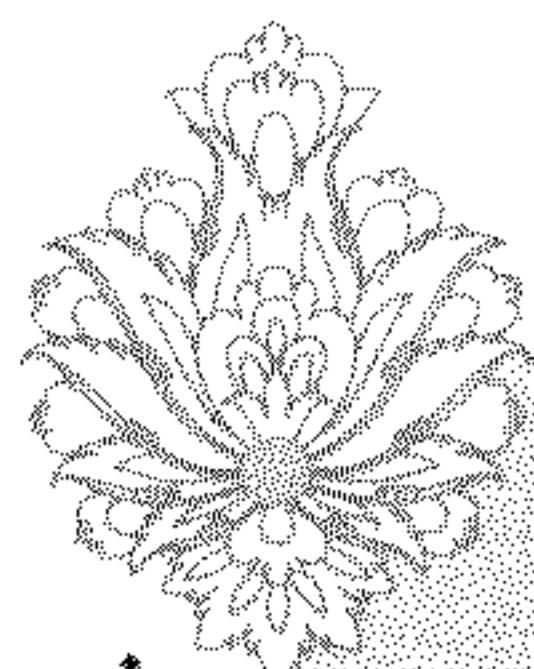


بخوانیم این میلاد نامه شکوهمند را و پیوند گیریم با امیر  
والای آفرینش ...

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا [هَذِهِ] وَ مَوْلُودِهَا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا  
الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَ  
عَدْلاً لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَ لَا مُعَقِّبَ لِآيَاتِكَ نُورِكَ الْمُتَالِقِ  
وَ ضِيَاؤِكَ الْمُشْرِقِ وَ الْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ الْغَائِبِ  
الْمَسْتُورِ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرَّمَ مَحْتِدُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ شَهَدُهُ وَ اللَّهُ  
نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ [فَالْمَلَائِكَةُ] أَمْدَادُهُ  
سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو وَ نُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو وَ ذُو الْحِلْمِ الَّذِي  
لَا يَصْبُو مَدَارُ الدَّهْرِ وَ نَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَ وُلَاةُ الْأَمْرِ وَ الْمُنَزَّلُ  
عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ [يَنْزِلُ] فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ<sup>۱</sup>

خدا یا به حق این شب ما و مولود آن، و به حق حجّت  
و موعودش، که به فضیلتش فضیلت دیگری را قرین  
ساختی، پس کامل شد کلمات به راستی و عدالت،  
برای کلمات دگرگون سازی و برای آیات پس زنده ای  
نیست. آن نور درخشان، و آن پرتو فروزانت، و آن علم  
نور در میان ابرهای تیره غیبت که عظیم است ولادتش و  
شریف و کریم است اصل و نسبش. فرشتگان گواه اویند  
و خدا یاور و تأیید کننده اش. آنگاه که وعده ظهورش در  
رسد در حالیکه فرشتگان مددکاران اویند و او، شمشیر  
خداست که کند نشود، و نور حق است که خاموش  
نگردد، و بردباری است که کاری بی منطق انجام ندهد.  
مدار روزگار است و روزگار بخاطر او گردش کند. [پدرانش]  
نوامیس عصر، و متولیان حکومت حق اند، نازل شده بر  
آنان آنچه در شب قدر نازل می شود...

۱. مفاتیح الجنان؛ اعمال نیمه شعبان.



## نور الاهی (آغاز امامت امام زمان)

زیباتر از "نور" اگر واژه‌ای وجود داشت خداوند آن را برای بیان تشبیهی تجلی خویش بر می‌گزید:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ ...<sup>۱</sup>

که واژه نور هم مظاهر مادی را پوشش می‌دهد و هم مفاهیم معنوی را.

اگر خداوند نور را در قالب "مهر" و "ماه" و "انجم" نمی‌آفرید تاریکی بود و خاموشی و مرگ، و اگر نور هدایت را نمی‌آفرید گمراهی بود و تباهی و مرگ جاهلیت:

﴿وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ ...<sup>۲</sup>

از این روست که پیامبر و اولیایش را "نور" نامید و از آنان با واژه‌های ملموس سراج و شمس و قمر و نجم و مشکوة و زُجاجه و مانند آن یاد نمود و برای همین است که شما در قالب سلام و تحیت به ولیّ زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ در زیارت جمعه عرض می‌کنید:

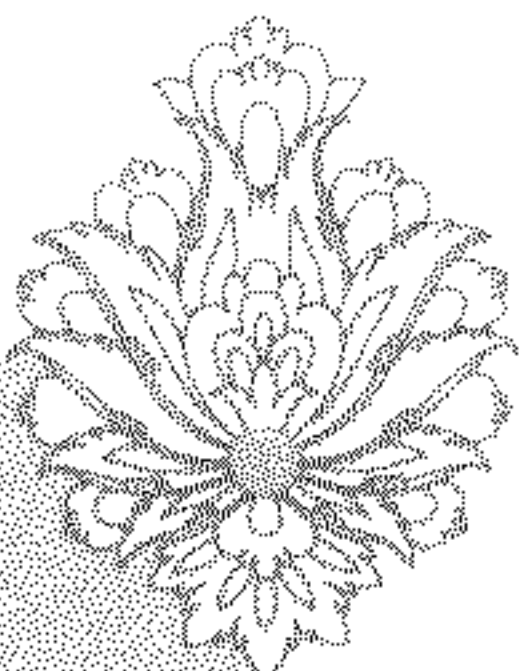
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ

درود بر آن نور الاهی که هدایت جویان به هدایتش، مهتدی می‌شوند...

این باور که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ، نور است، باور به این حقیقت است که رفتن به راهی جز راهش، تاریکی است و پیروی و توسل و تمسک به غیر او، ضلالت و مرگ

۱. النور / ۳۵.

۲. النور / ۴۰.



جاهلی است:

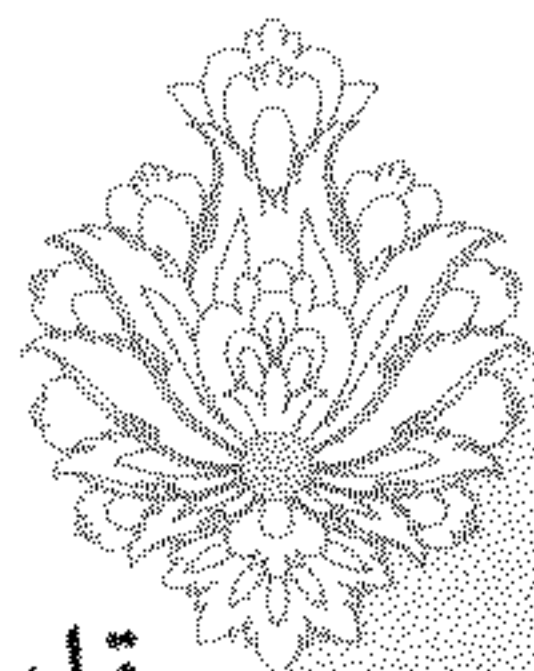
من مات ولم يعرف امام زمانه، مات ميتة جاهلیه!

وقتی امامتان را "نور الاهی" بدانید، غیبتش برای شما به حضور تبدیل می‌شود و در همه حالات به او متوسل می‌شوید. خورشید، خورشید است حتی اگر ابرها چهره‌اش را پوشانده باشند!

تعظیم سالروز آغاز امامت "نور الله الذی یهدی به المهتدون" و شادمانی و سرور و بهجت قلبی از این رویداد فرخنده، غنودن و بالیدن و شکفتن و فراز شدن به برکت تمسک به نور الاهی است.

مبارکتان باد پیوند با "نور الله"!

۱. شرح العقائد النسفیة: ۲۳۲.



## قله مهربانی

برستیغ قله مهربانی نشسته‌اید و ما در کنار رفت و مهربانی و حمایت شما آرام می‌گیریم. نمونه‌ی اعلای مهربانی خدایتان هستید که "ارحم الراحمین" است و شما چنانکه در حدیث شریف لوح می‌خوانیم "رحمه للعالمین" هستید (أَكْمَلُ ذَلِكَ بِإِبْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ) ...

وقتی بخواهیم مهربانی شما را برای فرزندانمان وجدانی کنیم می‌گوییم همچون مادر هستید قله مهربانی و صمیمیت. مادر، نمونه‌ی مثال زدنی از مهربانی شماست.

نه که وقتی رنجور و غمین و فسرده می‌شویم به پناه مادر می‌شتابیم و در آغوش مهربانی‌اش همه غم‌ها را فراموش می‌کنیم؟

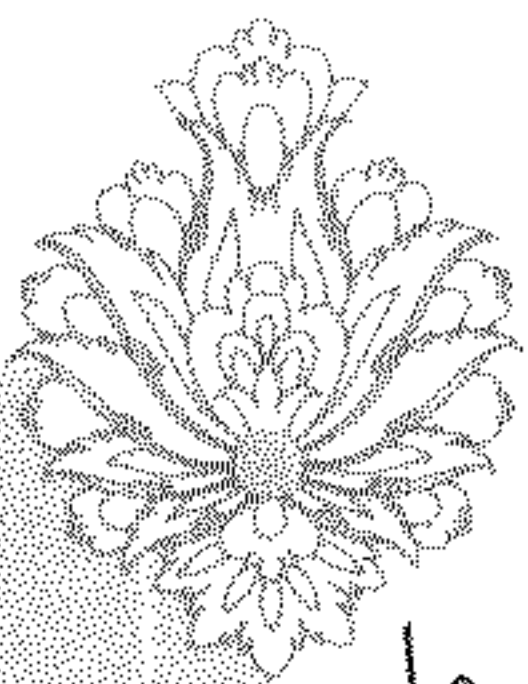
این را نیز از خود نگفتیم که امام هشتم علیه السلام فرمود: امام، "الام البره بالولد الصغیر" است<sup>۱</sup> ...

وقتی تازیانه دشمنی‌ها و آتش کینه‌ها و حسدها از دوست یا دشمن بر سرمان فرود می‌آید، دستان نوازشگر شماست که آراممان می‌کند. "کهِف حَاصِین" شماست که ما را از سرمای رنج‌ها و آتش دشمنی‌ها در امان می‌دارد.

و آنگاه که این آیت مهربانی یعنی مادر را از دست می‌دهیم و جای خالیش را در خانه می‌بینیم و مزار

۱. کافی ج ۱، ص ۵۲۷.

۲. بحار النوار ج ۴، ح ۲۵.



سردش را در آغوش می‌گیریم به دامان مهربانی شما  
بیشتر چنگ می‌زنیم که آسمان مهربانی هستید و ابر  
نوازشگر لطفتان بر سرمان همواره سایه افکن.

به مهرت نیازمندیم بامدادان و شبانگاهان!

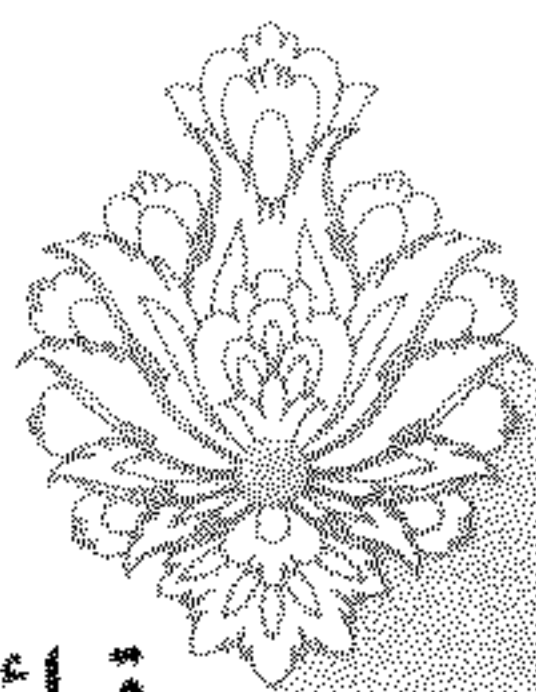
چند قطره اشک بر گونه فرزند، قلب رئوف مادر را طوفانی  
می‌کند. نمی‌بینید که از کثرت فساد و زیادی دشمن و  
کمی یاور و طوفان فتنه‌ها، اشک‌ها بر گونه‌ها داریم؟ ای  
ستیغ قله مهربانی، ما را دریابید. به آغوش گرم مهر شما  
امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمندیم...

امروز مردم همه کشورها، رنجور از این فساد فراگیر،  
اعتراض در خیابان‌ها را برگزیده‌اند و بر معابر چادر  
زده‌اند. نه سرپناه امنی را سراغ دارند و نه دستان  
نوازشگری که در سایه مهرش بیاسایند...

از سویدای دل، مسیح موعودی را می‌جویند که به آنها  
وعده داده شده می‌آید و نجاتشان می‌بخشد. نه شما  
آن مسیح موعودید که فرزند مریم به یاری‌تان خواهد  
شتافت؟ مسیحی که مهرش ستودنی است، بیایید این  
مردم رنجور را با مسیح راستین آشنا کنیم.

ای برستیغ قله مهربانی امیر، امروز و هر روز ما را دریاب...



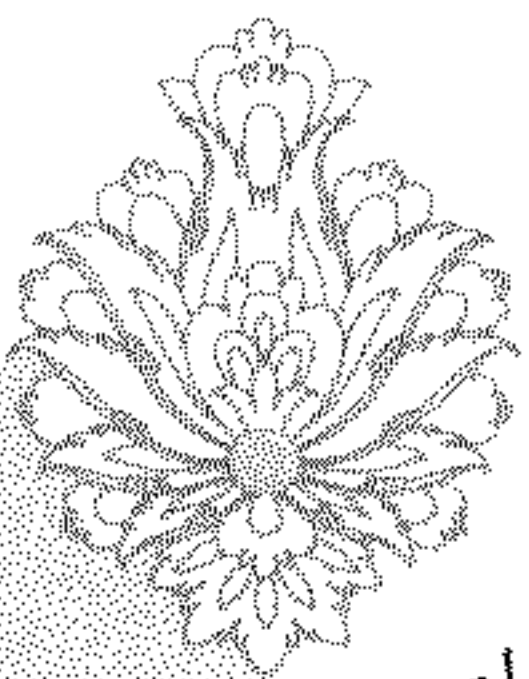


## قرائتی از "غائب"

کدام قرائت از "امام غائب" را قبول داریم؟ امامی که پنهان است و به خاطر این غیبت ناگزیر وظیفه امامتش عاطل و رهبریش بخاطر عدم ظهور، باطل و از رسیدگی به مردمش غافل است یا امامی که مظهر غیب الاهی، مقامش یداللهی و خلیفةاللهی، فرمانروای تشریح و تکوین، امیر ملک و ملکوت، قطب عالم امکان و صاحب عصر و زمان است و غیبتش از جنس غیبت انبیای پیشین و نه منفصل از امر شریعت و دین و مظهر غیب الاهی و حضورش از جنس حضور الاهی است و در قلب دوستانش، حاضر و بر همه امور، ناظر و مرجع همه امور و شاهد بر خلق و حجةالله الاکبر و بقیةالله الاعظم است؟

گاهی فراموشمان می شود که غیبت مولایمان، تنها یک غیبت جسمانی است و نه روحانی و اوست حاضر و ناظر اعمالمان و امیر زندگی مان و غیبتش فقط به این معناست که چشم هامان او را نمی بیند یا می بیند و نمی شناسد و نه بیش از این و او با ماست و در قلبمان و شفا بخش دردهامان و غصه خوار مشکلاتمان و دعاگوی و غمخوارمان، که انیس و مونس تنهایان و فریادرس بیچارگان و نجات بخش درماندگان و مستضعفان و خورشیدی تابان و ماهتابی فروزان است.

اگرچه برای زمانی، ابرها او را از چشم ما پنهان کرده باشد اما نور و حرارت و فیض و کرامت اوست که ما را زنده نگه داشته و به امر الاهی در کار حیات بخشی به ما و اداره زندگی ماست.



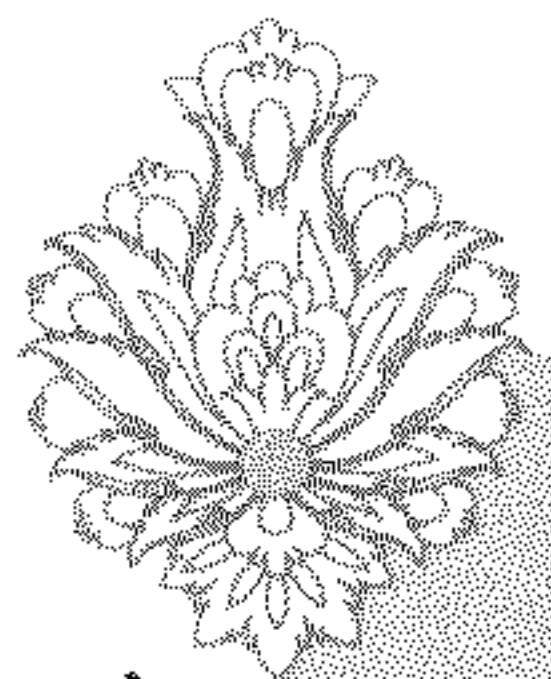
باورش داریم که ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ﴾ راهنمای ماست و به او متمسک و راجی هستیم که ﴿بِبقية الله خير لكم﴾<sup>۲</sup> برپیشانی اعتقادات ما نقش بسته است...

گاهی باید به خود و دوستانمان این معنا و قرائت از امام غائب را یاد آور شویم تا شیطان‌ها نتوانند بین ما و اماممان فاصله اندازند حتی دقایقی و ساعاتی، و ورد زبانمان باشد سلام و صلوات بر او و دعای بر ظهورش و تمسک به حبل ولایش و توسل به ذیل عنایتش و تنفس در آسمان یادش و آمادگی همیشگی برای یاوریش...

---

۱. بقره / ۳.

۲. هود / ۸۶.



## دوران امامتش

امامت شکوهمندش را از آغاز نوید داده بودند از نسل پیامبر از ذریه علی و زهرا فرزند امام یازدهم که ولایت به وجود شریفش کمال خواهد یافت (أَكْمَلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ)<sup>۱</sup>. او راست کمالات موسی و درخشش عیسی و بردباری ایوب (عَلَيْهِ كَمَالٌ مُوسَى وَ بَهَاءٌ عِيسَى وَ صَبْرٌ أَيُّوبَ)<sup>۲</sup> از همه پیامبران و امامان نشانه دارد: تولدش، کرامتش، امامتش، دعوتش، علمش، غیبتش عصمتش، صبرش، صولتتش، حلمش، شجاعتش...

حلقه به گوش امامتش هستیم که ادامه رسالت همه انبیاست و تکمیل امامت امامان...

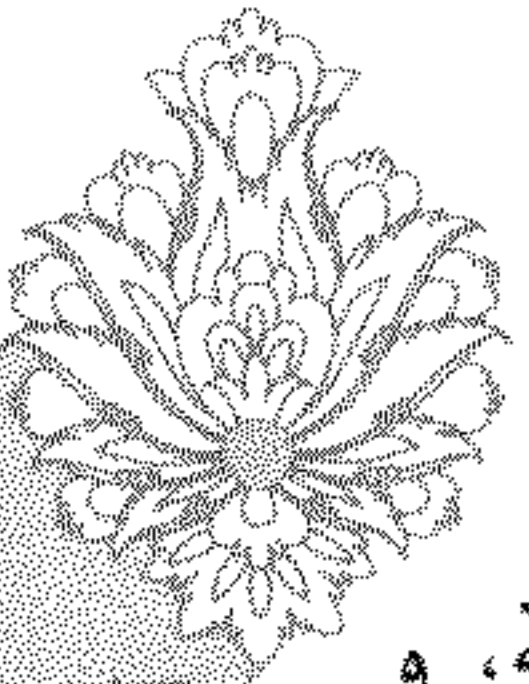
امامتش را با هیچ چیز عوض نخواهیم کرد حتی اگر آماج تیر دشمنان شویم و حمله کافران و دشمنه ملحدان و زخم زبان منافقان...

در سالگشت آغاز امامتش (۹ ربیع) با این صلوات نورانی به محضر شریفش تبریک می‌گوییم و بقا بر خدمتگزاری و استقامت بر ولایتش را مسئلت داریم:

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ، وَ زِدْ وَ بَارِكْ، عَلَى صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَ الصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ، وَ الْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ، وَ الْحِلْمِ الْحَسَنِيِّ، وَ الشَّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيِّ، وَ الْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ، وَ الْمَأَثَرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَ الْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ، وَ الْعُلُومِ الْكَاطِمِيَّةِ.

۱. کافی ج ۱، ص ۵۲۷.

۲. همان.

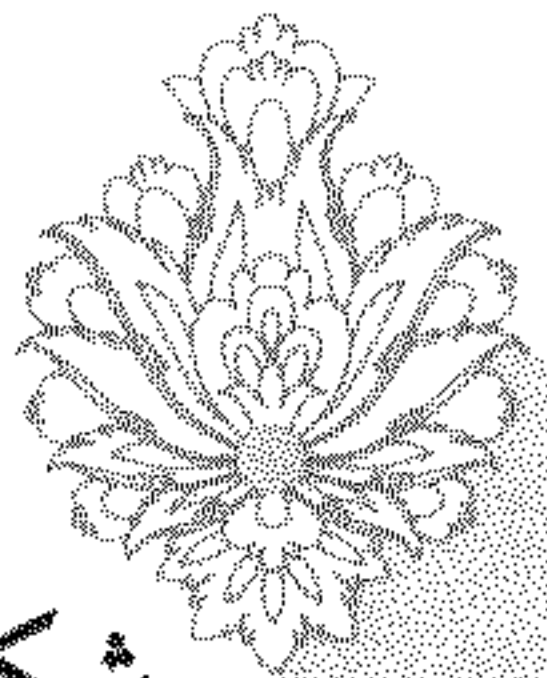


و الْحُجَجِ الرَّضْوِيَّةِ، وَ الْجُودِ التَّقْوِيَّةِ، وَ النَّقَاوَةِ النَّقْوِيَّةِ، وَ  
الْهَيْبَةِ الْعَسْكَرِيَّةِ، وَ الْغَيْبَةِ الْإِلَهِيَّةِ، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرْجَهُ وَ  
سَهِّلْ مَخْرَجَهُ وَ جَعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَاعْوَانِهِ وَانصَارِهِ.

مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد

کز دست بخواهد شد پایاب شکیبائی

الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ



## شکوه سامرا ....

سامرا، در جغرافیای هستی به خود می‌بالد که زادگاه منجی جهانی و موعود آسمانی و عدالت بخش گیتی و نیز مضجع شریف والدین و جدّ آن امام همام و زیارتگاه عاشقان آل الله است.

از اینرو و بدین سبب است که شادمانی هر بیننده (سامرا که مخفف "سرّمن رأی" است) نام گرفته و با یاد آن امید آخرین، شور و امید جهانی برای نجات انسانها را در خود جای داده است تا مشعل عدالت هماره بر فراز باشد...

علیرغم آن کینه‌های قابل درک خفاشان، بازسازی آن حریم قدسی رو به پایان و سیل زائران آن بارگاه ملکوتی روزافزون و توجه به آن ناحیه مقدسه پرشمارتر شده است تا برای هزارمین بار معلوم آید خداوند نورش را هماره کامل ترمی کند حتی اگر شب شعاران را خوش نیاید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

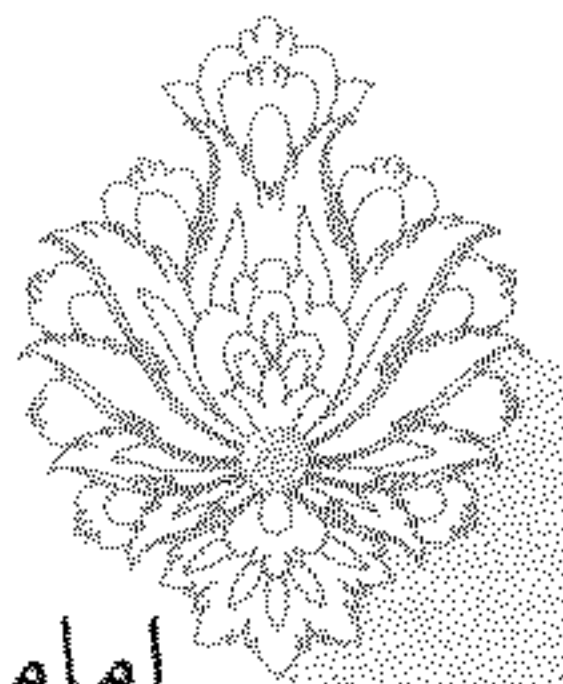
سامرا را جایگاهی است در عراق و جایگاهی در قلب محبان اهل البيت عليهم السلام، یکی مطاف فرشتگان و دیگری فردوس جنان و روضه رضوان که بر تارک شکوه و بزرگی و جاودانگی فرازین، هماره خواهد درخشید. این هر دو "سامرا"، شادمانی دیده‌های بصیرت ماست...

خدایا بنیانش را استوار و نورافشانش را ماندگار و عظمتش را برقرار و پایدار گردان!

## زیارت و انتظار

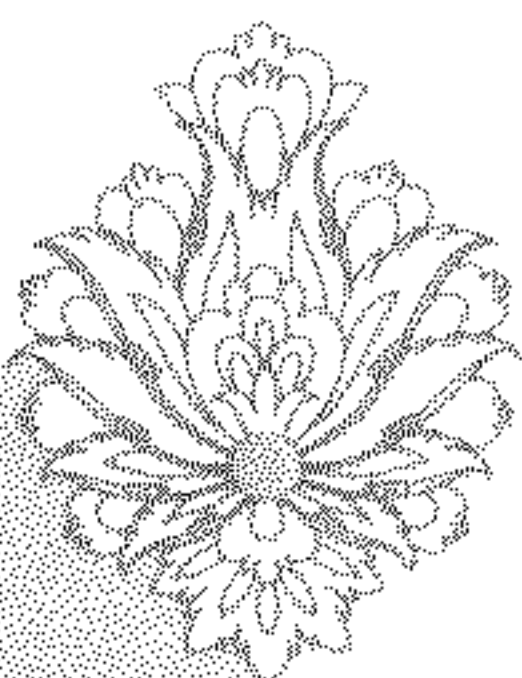
زیارت به معنای دیدار یا قصد دیدار است. به عبارت دیگر زیارت عزیمتی ظاهری یا باطنی برای دیداری معنوی است با پیامبران، امامان، معصومان، صالحان، درگذشتگان و اماکن متبرکه و مشاهد مشرفه و عتبات عالیات. زیارت و حضور و دیدار در فرهنگ اسلامی، عبادت است چه با زندگان یا درگذشتگان یا اماکن خاص. این است که حتی نگاه به والدین، نگاه به عالم، نگاه به امام، نگاه به کعبه و نیز زیارت قبور پیامبر و امامان و معصومان علیهم السلام و زیارت شهدا و اهل قبور از صالحان و عالمان و مؤمنان هم عبادت و موجب تقرب شمرده شده است.

برای دگر اندیشان بسیار موجب شگفتی است که دینداران چگونه با رهبران دینی خود حتی پس از حیات دنیوی ایشان، پیوند داشته و با شور و اشتیاق به دیدار آنان می‌شتابند و با آنان سخن می‌گویند و حاجت می‌خواهند و نتیجه می‌گیرند. از شگفتی‌های جهان است زیارت بیش از شانزده ملیون زائر در روز اربعین از حرم سالار شهیدان در کربلا آن هم با آدابی خاص و بعضا پیاده و زیارت ملیونها نفر از سراسر جهان از بارگاه امام هشتم و البته زیارت کعبه و حرم شریف نبوی و بقیع و ... و شگفت‌تر وقایع و رویدادهای مبارک مترتب بر این زیارت‌هاست در این دنیا همچون کرامات و معجزات و شفاها و در آن دنیا که شفاعت و دستگیری است. زیارت همچون هر عمل استجابی دیگر می‌تواند به نیابت از فرد یا افراد دیگر انجام شود بویژه از سوی



امامان و صالحان و اساتید و مؤمنان و ذوی الحقوق و درخواست کنندگان و ملتمسان و حق داران . اما بهترین نیابت نیابت از صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که ولی نعمت و حقدار اصلی ماست که چنین زیارتی از لحظه نیت تا پایان آن، مدرسه سازندگی و نردبان معنویت و تقوی خواهد بود.

منتظر در هر زیارتش، هنگام عرض حاجت، نخستین و آخرین و اصلی ترین خواسته اش، ظهور بقیة الله ارواحنا فداء است و بودن در زمره یاوران و حامیانش . این است که مثلاً زائر آستان حسینی هر بار در زیارتش آرزو می کند طالب خون او شود در کنار امام منصور از آل محمد صلی الله علیه و آله حجة بن الحسن العسکری علیه السلام که دادرس مظلومان و منتقم خون شهیدان است....



از آن روزی که غیبت کبرای ولی خدا حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۳۲۹ هجری با درگذشت آخرین نائب خاص - جناب علی بن محمد سمری - آغاز گردید، یکهزار و صد و اندی سال، گذشت...

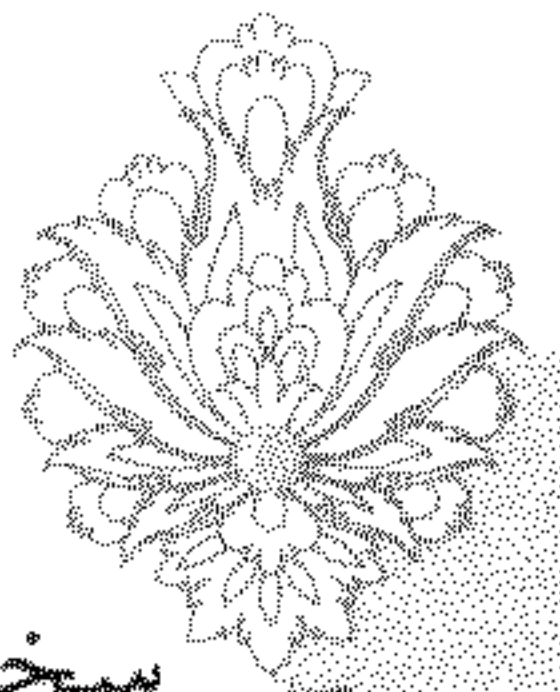
اگر چه هزاره‌ای و سده‌ای از این غیبت دیرپای برامت گذشته است و امسال، دوازدهمین سده غیبت آغاز می‌شود... اما باور داشته‌ایم که غیبت، فقط به معنای "عدم دیدار ظاهری آن حضرت" یا "دیدن و نشناختن" بوده و تمام این سالها از جنبه اداره امور تکوینی و تشریحی جهان، سراسر از حضور آن بزرگوار و سرشار از لطف و کرامت ایشان بوده است...

شمیم دل انگیز این گل محمدی در طول تمامی این سالیان مشام دوستانش را معطر می‌ساخته و اگر چه او را به چشم ظاهری نمی‌دیده‌اند اما هماره وجودش را در کنار خود احساس می‌کرده‌اند و می‌خوانده‌اند:

باز ای ای چوبوی گل از دیده‌ها نهران... کز رنج انتظار تو پشت فلک خمید

آری اگر چه انتظار ظهور آن عزیز در سالیان غیبت با رنج و شکنج هم آغوش بوده اما هماره مشعل امید در جان ثابت قدمانشان روشن و نوید ظهور پیروز حضرتش که وعده ربانی است در آرمان الهی‌شان پرفروغ بوده است و از آنان شیر مردان و شیرزنانی کوشا و مقاوم ساخته که آماده‌سازی ظهورش را با خدمات خالصانه پی‌گرفته‌اند.





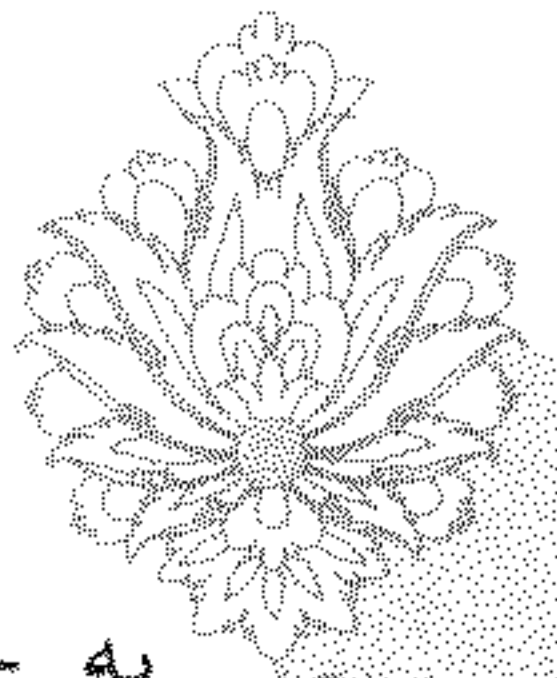
سخن این نیست که غیبت ظاهری، ضایعاتی نداشته که داشته است اما این آزمون الهی برای امت‌ها و مردمان گذشته نیز کم و بیش وجود داشته تا طلای خالص یاران وفادار و ثابت قدم از مطلای پیمان شکنان و سست ایمانان برای خودشان آشکار گردد. آری تا معلوم شود تنها افزوده شدن ده روز به غیبت موسی چگونه بازار سامری‌ها از این سست عهدان، پررونق می‌شود چنان که با دیدن تمامی معجزات موسی و خدای موسی باز در غیبت او، به شرک گراییده و گوساله را بر فراز می‌دارند!

از دید وفاداران ولایتمدار و منتظران نیک کردار تمامی لحظه‌های این یازده قرن از مهر مولای بزرگوار سرشار بوده امور جهان به ولایت تکوینی به دست توانای او اداره شده است تا روزگار بسط ید ظاهری‌شان فرا رسد و تمامی دین بادست الهی آن عدالت موعود تحقق یابد...

زندگی و آسایش فرد و جامعه در گرو تلاش و کار و حرکت در بستریك اقتصاد پویا و سالم است. کسب و کار برای تأمین معیشت نیز همانند سایر ابعاد حیات انسانی تابعی از باورها و اعتقادات و نوع نگرش انسان به خود و جامعه و جهان است. خداوند در قالب دین و از طریق وحی و رسولان خویش، آئین کسب و کار و اقتصاد صحیح را فراروی بشریت قرار داده و باید‌ها و نبایدها در این اقتصاد مبتنی بروحی، کاملاً تبیین و در منابع فقهی تدوین شده و مسلمان بر اساس این فقه، کسب و کار خویش را تنظیم می‌کند.

این چنین شغل و کسب و کار، عبادت نامیده شده و کاسبان حبیب خدا نام گرفته‌اند زیرا نیت و هدف از این تلاش‌ها، تأمین نیازهای مشروع خود و خانواده و کمک به جامعه برای رشد و بالندگی و خروج از فقر و وابستگی است. يك مسلمان در روزگاران و شرایط متفاوت تاریخی و جهانی در چنبره کسب و کارهای حرام خود را گم نکرده و لقمه حرام بر سفره خویش نمی‌برد و آلوده مال شبهه‌ناک و ربا و اختلاس و کم‌فروشی و حيله و دروغ و دیگر آفات اقتصادی نمی‌شود و حقوق الاهی و انسانی از درآمدهایش را از جامعه دریغ نمی‌دارد.

اما فرهنگ «انتظار» بر این اقتصاد الاهی، افزوده و حاشیه معناداری ترسیم می‌دارد و آن نگرش منتظر بر رضایت اربابش از این تلاش اوست. او خود را در ساعات کار، در منظر امامش می‌بیند و لذا شرم می‌کند در منظر مولایش



به حرام آلوده شود. او مالک همه ثروت‌های جهانی را ولی خدا دانسته و بر غاصبان این ثروت‌ها و انفال و حاکمیت‌ها که مال الله را غصب و ضایع کرده‌اند و موجب فقر و تبعیض و ظلم شده‌اند به دیده نفرت و تأثر می‌نگرد و جامعه آرمانی ظهور را آرزو می‌کند که همه این اموال در اختیار مولایش قرار می‌گیرد و او آنها را در اختیار مردم قرار می‌دهد و دیگر فقر و محرومیت و تبعیض و ظلمی باقی نمی‌ماند. اقتصاد رنگ الاهی می‌گیرد و از اختلاس و احتکار و انحصار و رانت خبری نیست و ارزش‌ها به تلاش و کار است و کاسب حبیب خداست و زمین و آسمان برکات خود را آشکار کنند و فراوانی و وفور نعمت... کسی که چنین اقتصادی را منتظر است در چنبره اقتصاد آلوده اسیر نمی‌شود و برای رسیدن به آن آرمان تلاش می‌کند...

## ورزش و انتظار

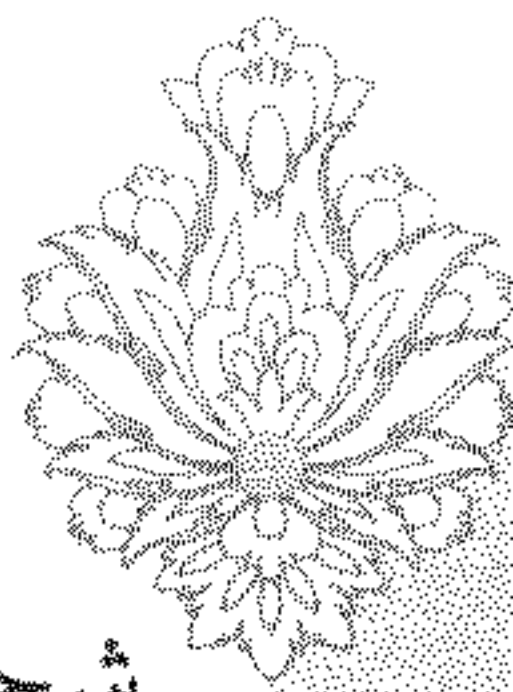
سوگمندان امروز وقتی واژه ورزش را می شنویم بلافاصله ورزش های حرفه ای و مدال و طلا و شهرت و رقابت و زد و بند و فساد و... متبادر به ذهن می شود که نشان می دهد چقدر از مفهوم سازنده آن دور شده ایم.

ورزیدگی جسمی و روحی شرط سلامتی و نشاط و موفقیت در زندگی است. اصل تاریخی و تجربی "عقل سالم در بدن سالم" ناظر به همین معناست.

ورزش موجب تقویت قوای جسمانی و فکری و به عبارت دیگر سلامت تن و روان است. فعالیت های بدنی و تحرك جسمی، سلامت قلب و سایر اعضای بدن را به دنبال داشته و انسان را برای مقابله با شرایط دشوار و موانع رشد آماده نموده و از خمودگی و سکون و سکوت و شکست دور می کند.

ورزش همچنین عامل تقویت اعتماد به نفس، سازگاری با محیط، مهارت های ناهنجار و پرخاشگرانه، همکاری و هماهنگی با جمع، نقش آفرینی و مسئولیت پذیری، کسب مهارت های فردی و جمعی و آمادگی برای دفاع در برابر مهاجمان و دشمنان است.

انتظار ظهور تاریخی و سرنوشت ساز صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در ساختن دلاور مردان شجاع و توانمند، نقشی سازنده ایفا نموده و منتظران این رویداد فرخنده را به آمادگی هر لحظه ای برای این رویارویی فرا می خواند.



شجاع مردان و زنانی که می‌خواهند در کنار مولای خویش پنجه در پنجه ستمگران جهانی اندازند و برای همیشه شرّان‌ها را از سر بشریت کم کنند باید دارای عظمت جسمی و روحی باشند تا قابلیت یآوری امام و حضور در این سپاه پیروز الاهی را داشته باشند.

چابکی و ورزیدگی منحصر به آن دوران نیست او برای خدمت به آرمان‌های الاهی باید قوی باشد.

قوّ علی خدمتک جوارحی.

خستگی و کسالت و تنبلی در شأن شجاع مردان و زنان منتظر نیست. از آفت پرخوری و پر خوابی و بی‌موالاتی به دورند تا بیشترین بهره‌وری را داشته باشند و ورزش مستمر آنها را در این توفیقات بهترین یاور است. نیست؟ ضعف و خمودگی و سکون، با انتظار رویداد بزرگ ظهور، سازگار نیست.

آمادگی رزمی اصحاب سحر برای نبرد تن به تن با شب‌پرستان، ورزیدگی می‌خواهد که با ورزش روزانه برای تقویت جسم و مبانی معنوی و روحی به دست می‌آید.

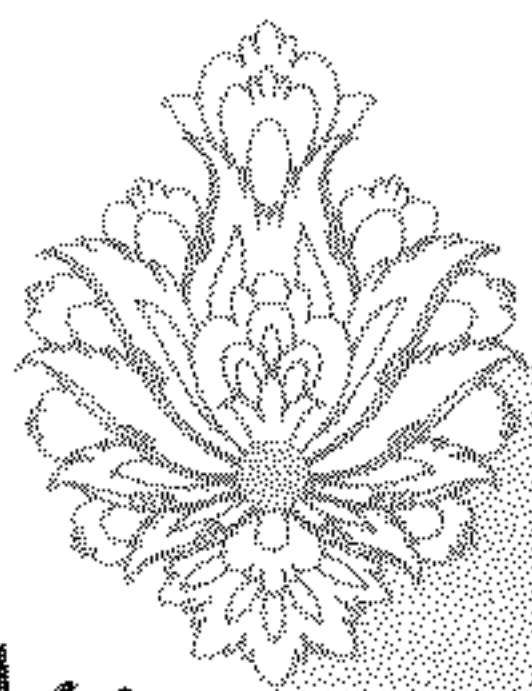
## هنر و انتظار

هنر یکی از مفیدترین ابزار برای انتقال اندیشه‌هاست. هنر، زبان مشترك تمامی انسان‌هاست. فیلم‌ها، نقاشی‌ها، تئاترها، معماری‌ها، نواها، کلیپ‌ها، پویا نمایی‌ها، هنر خوشنویسی و نقاشی خط، شعر و آرایه‌های کلامی، آثار گرافیکی و نیز هرگونه آثار هنری می‌تواند راه رسیدن باورها بویژه انتظار پویا و فرهنگ مهدویت را برای نشستن در جان انسان‌ها هموار کند و آنان را در معرض قضاوتی عادلانه و انسانی درباره این اندیشه ناب الهی قرار دهد.

آنچه اثر هنری را از دیگر اثرها ممتاز می‌کند جذابیت، ماندگاری و عمق اثرگذاری این آثار است در حالی که زبان خام و عادی به طور معمول يك امر خشك است که به سادگی نمی‌توان با آن انس گرفت. اثر هنری خودش با شما صحبت می‌کند و راهی به جز کلام صرف را برای انتقال مفهوم خود پیش می‌گیرد.

وقتی يك نقاشی می‌بینید، دیگر احتیاج به مترجم ندارید. بی‌واسطه بودن فهم هنر برای همه مردم، یکی از ویژگی‌های مهم آثار هنری است.

ویژگی دیگر هنر، ماندگاری آن است. هنر توانایی دارد تا در میان نسل‌های مختلف بشری حاضر باشد و پیام خویش را به آنان برساند. هنر، تصویر احساس‌ها و عواطف انسانی است که با احساس و عواطف مخاطب مواجه می‌شود و به همین دلیل، اثرگذاری عمیق در مخاطب را به دنبال دارد بنابراین جذابیت، ماندگاری و عمق اثرگذاری هنر، بهترین ویژگی‌های آن هستند. بی‌هنری است اگر هنر را برای معرفی زیباترین جلوه آفرینش و قله کرامت‌ها یعنی امام هدایت و فضیلت به کار نبریم و آن را خرج اهداف دون کنیم. بوسیله هنر می‌توان آسان‌تر و سریع‌تر دل مردمان را با صاحب‌الزمان پیوند زد که اگر چنین شود این هنر را باید هنر قدسی نام نهاد...



## مهاجرت و انتظار

مهاجرت از شهری و کشوری به شهر و کشوری دیگر به انگیزه‌های شغلی و اقتصادی و یا فرهنگی و تبلیغی، در همه جهان وجود داشته و دارد. در این مجال از مهاجرت فرهنگی سخن خواهد رفت. خدای بزرگ در منشور جاوید قرآن خطاب به آنان که در يك محیط بسته و پرفشار قرار می‌گیرند که نمی‌توانند مؤثر باشند می‌فرماید:

﴿أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...﴾<sup>۱</sup>

یعنی آیا زمین خدا گسترده نبود تا مهاجرت کنید؟!

این خطاب با کسانی است که گمان می‌دارند باید هماره در يك نقطه بود و مسئولیت فقط در آن مکان به عهده آنهاست! خیر، مسئولیت زمان و مکان نمی‌شناسد و همه سرزمین‌ها باید از زلال هدایت سیراب گردند.

کندن از وطن مألوف و بریدن از خانواده و خویشاوند و دوستان و سفر به دیاری غریب و ناآشنا، البته دشواری‌ها و رنج‌هایی به همراه دارد که مهاجرت را به مجاهدت تبدیل و اجر مهاجران را همسنگ مجاهدان می‌کند، چنانکه خداوند فرمود:

﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمًا كَثِيرًا وَسِعَةً<sup>۱</sup> وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ<sup>۲</sup> وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾

۱. نساء / ۹۷.

۲. نساء / ۱۰۰.

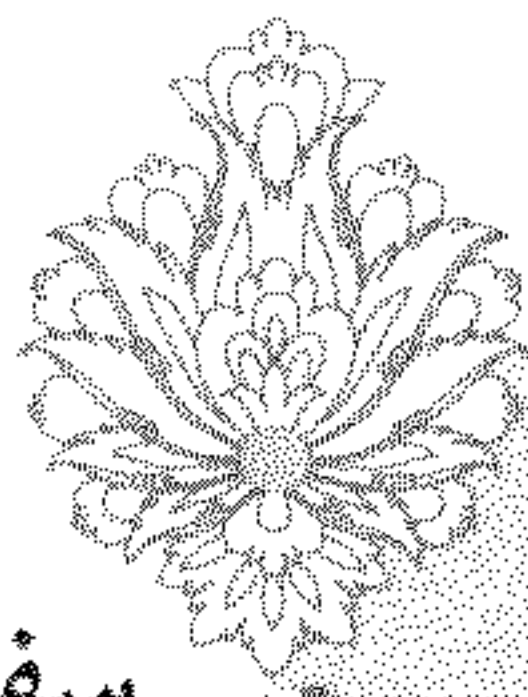
﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

مهاجرت های تاریخی همچون مهاجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و مهاجرت جناب جعفر به آفریقا (حبشه) و مهاجرت امیرمؤمنان به کوفه و هزاران مهاجرت دیگر و نیز در روزگاران بعد مهاجرت مسلمانان بویژه ایرانیان به کشورهای همچون اندونزی و مالزی و تایلند و بعضی کشورهای آفریقایی و اروپایی و قاره امریکا... موجب مسلمان شدن میلیون ها انسان در این کشورها شده است. امروز نیز نیاز است انسان های متعهد و تأثیرگذار ایثارگونه تن به مهاجرت دهند تا هم خود از رکود خارج شوند و هم نشاط فرهنگی را در نقاطی که تشنه حقیقت ناب الاهی هستند، بپراکنند و چقدر امروز به این مهاجران و مجاهدان فرهنگی نیاز داریم...

در این مهاجرت های معنوی و فرهنگی باید نیت و نگاه و نقش رو به سوی خلیفه الله باشد و از او برای این اقدام معنوی استمداد شود. مگر نه اینکه هم اوست امیر قافله وجود و سجود و سفیر هدایت و کرامت و امام زمان و انسان و ایمان؟

باید که اعلائی نام و یاد و راهش، هدف نهایی مهاجران و سخن و سیره اش سرمشق منتظران گردد تا در مسیر انتظار، رهروان صادق کوشش هر روز افزون تر شوند و مقدمات آمدنش فراهم آید ان شاء الله!





## سفر و انتظار

سفر یکی از وجوه زندگی است و انسان‌ها با سفر انسی دیرینه دارند. سفر چه به قصد سیاحت باشد یا زیارت یا عبادت یا تجارت یا صناعت، نبض تحرك و تلاش و پوییش و ابزار کسب تجربه و نشاط و سازندگی و رشد مادی و معنوی است. سفر مثل يك هوای تازه روح انسان را می‌نوازد و اگر خوب مدیریت شود قادر به تغییر و تبدیل وضعیت موجود به مطلوب است.

بعضی برای روح نیز سفر را تجویز کرده‌اند و از اسفار معنوی سخن گفته‌اند که راست و تأمل برانگیز است... بگذریم، سفر را نیز آدابی است: دعای سفر، نیت عبادت در سفر، یاری همسفران، هشیاری و گریز از غفلت، داشتن برنامه و هدف در سفرها، تفکر و تأمل و تجربه‌اندوزی، ثبت رویدادها و دستاوردهای سفر، و از همه مهمتر انس با محبوب جان‌ها و ولی خداست تا با این پیوند از گزند آفات اسفار، در امان باشیم.

در سفرهای زیارتی نیز شایسته است که این عبادت به نیابت از آن همای سعادت انجام شود که اگر چنین شود همه سفر با این نیت و نگاه، نقش جاودانگی می‌گیرد. نیابت از ولی خدا، در انجام زیارات و اعمال استجابی، شوری در جان نایب بر می‌انگیزد که با عنایت محبوب و دعای او همه وجودش از هاله مهر و معنویت سرشار می‌شود و لذیذترین تجربه‌ها را برای او به ارمغان می‌آورد که حقاً چشیدنی است و گفتنی نیست!

تبلیغ و ترویج آموزه‌های الهی در مقصد و در حین سفر و اغتنام هر فرصت برای وصول به اهداف البته با شیوه‌های بهتر و مؤثرتر، سفر را به ملکوت رضایت ربوبی پیوند می‌زند که فرشتگان به آن رشك می‌برند. مرحبا به چنین سفرها و آفرین به چنان مسافران!

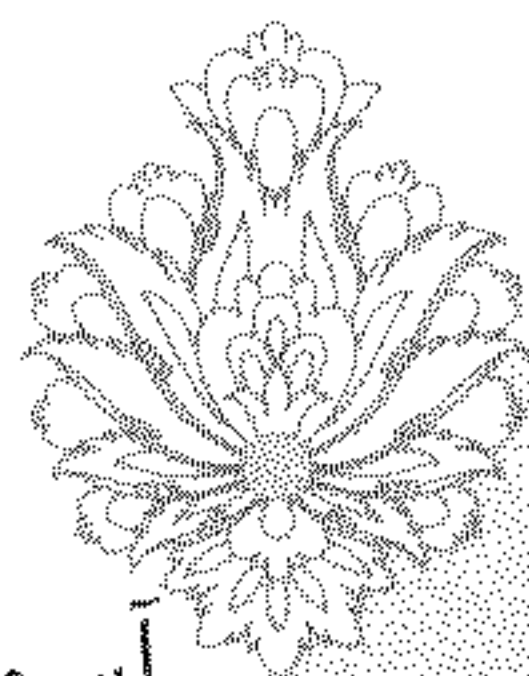
## انتظار و ازدواج

برای منتظران در روزگاران غیبت، هر اقدام و عملی اگر رنگ و بوی انتظار نداشته باشد، نه زیباست نه پذیرفتنی. انتخاب دوست آگاه و یار همراه و رفیق سفر و شریک زندگی برای يك عمر حرکت و تکاپو در مسیر خدمتگزاری به آستان قدسی مهدوی و تلاش برای تقریب ظهور حضرت حجة بن الحسن العسكري عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الشَّرِيفِ نیز بر همین قاعده و قیاس است.

هزاران پیوند ازدواج بر همین مبنا شکل گرفته و می‌گیرد که زوج منتظر با هم پیمان می‌بندند که بر اساس الگوی مهدوی ازدواج نموده و یکدیگر را در خدمتگزاری به آستان مولایشان یاری کنند و فرزندان منتظر تربیت نمایند و پیوسته خویش را به دوام این توفیق سفارش کنند و شب و روز خود را با عطرانتظار و دعا و یاد و شور یآوری ولیّ خدا همراه نموده، کانونی گرم و صمیمی بر اساس آموزه‌های مهدوی بنا کنند.

من خود صدها کارت دعوت ازدواج را دیده‌ام که زوج‌های جوان این معنا و روح را در دعوتنامه‌شان ذکر نموده و پیمان انتظار را در پیوند خویش یاد کرده‌اند. از این کانون‌های معنوی است که نسلی منتظر و یاورانی برای آن قیام شکوهمند برمی‌آید.

بطور طبیعی این رایحه و شمیم بهشتی، زندگی‌هاشان را بهشتی نموده و الگو و نمونه برای دیگران می‌سازد و بی‌تردید این ازدواج‌های زیبا و برین، جاذب لطف و عنایات مهدوی است و با دعای مولا، زندگی‌شان



آسمانى و پراز ايثار و قهرمانى و سرشار از عبوديت و برکت و شادمانى خواهد شد.

چنين ازدواج و پيوندى از روح تمسك و توسل سرشار است و اين استغاثه و تضرع و دعا خود گره گشاست و بر اساس آن روايت نورانى از خود حضرت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، همين تمسك و دعا براى تعجيل امر ظهور، موجب فرج و گشايش براى شماست:

وَ أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ

۱. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰ باب ۳۱.

## صادقان و انتظار

صداقت، لازمه انسانیت و شرط نجات است که:  
﴿النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ﴾.

ویژگی مؤمنان را، راستی و درستی و تقوی و "همگامی با راستان" گفته‌اند و این يك دستور است که "با صادقان باشید": يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوی پیشه کنید و با "صادقان" باشید.<sup>۱</sup> می‌پرسیم: راستان و صادقان کیانند؟

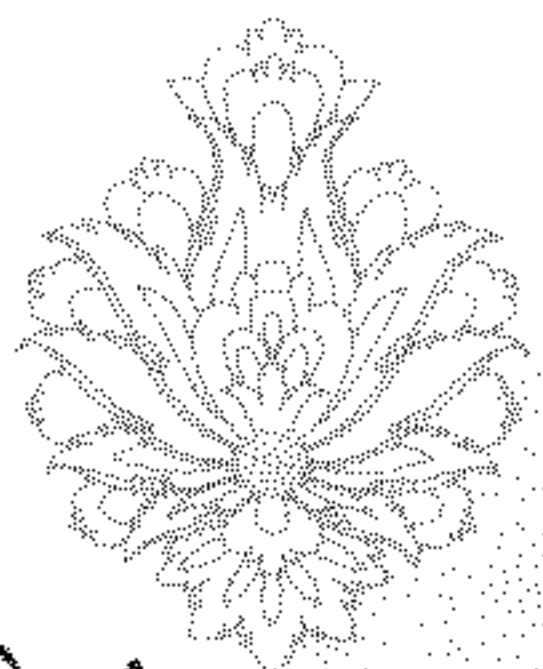
تفسیر ایمان و تقوی و صدق در آیتی دیگر از کلام الله چنین آمده است: ایمان به خدا و روز قیامت و فرشتگان و وحی و کتاب و پیامبران و انفاق به نیازمندان و محرومان و اقامه نماز و زکات و وفای به عهد و صبر در سختی‌ها [مجموعه‌ای از ایمان و عمل]، نشانه صادقان و متقیان است.<sup>۲</sup>

همچنین صادقان کسانی معرفی شده‌اند که در ایمان خود به خدا و رسول، تردیدی به خود راه نداده با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد و تلاش می‌کنند.<sup>۳</sup>

۱. توبه / ۱۱۹.

۲. بقره / ۱۷۷: لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من آمن بالله و الیوم الاخر و الملائکة و الكتاب و النبیین و آتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و آتی الزکوة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و الصابرين فی الباساء و الضراء و حین الباس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون.

۳. حجرات / ۱۵: انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا باموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون. مؤمنان تنها کسانی هستند که ایمان به خدا و پیامبرش آورده، سپس شک و تردیدی به خود راه نداده‌اند (و علاوه بر این) با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند، اینها صادقان هستند.



و در يك كلام صادقان کسانی هستند که خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند: ... ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون.<sup>۱</sup>

بنابراین، دروغگویان و لاف زنان و فریبکاران و بی‌عملان را با ایمان و تقوی و صدق، مناسبتی نیست. رهرو صادق، کردارش مؤید باورهایش و تلاشگر در راه اهدافش و یاور مولایش می‌باشد.

در منابع روایی عامه و خاصه، آمده است که منظور از صادقان در آیه شریفه "کونوا مع الصادقین (با صادقان باشید) پیامبر و اهل بیت او هستند.<sup>۲</sup>

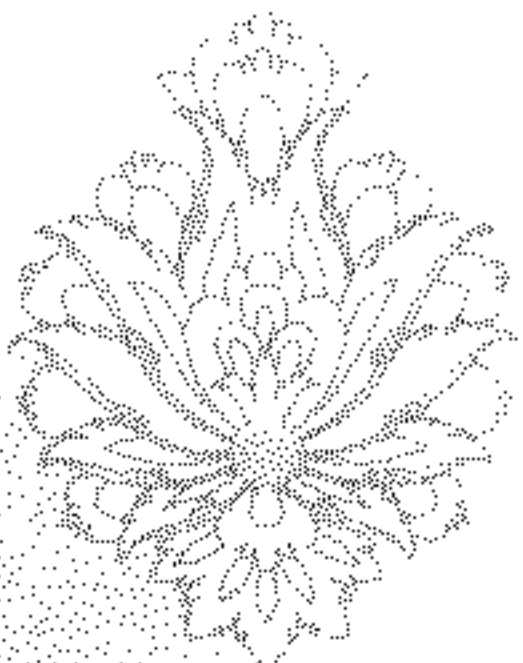
و امام هشتم علیه السلام فرمود: راستان، ائمه علیهم السلام اند و نیز کسانی که در اطاعت آنها صادق هستند.<sup>۳</sup> پس منتظران ساحت قدسی مهدوی، اگر در انتظارشان صادق هستند باید به راستی از راستان و صادقان باشند (که صفاتشان در قرآن ذکر شد) و با صادقان (ائمه و اکنون صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف) همراه و همگام باشند (کونوا مع الصادقین) که در این معیت و همگامی، هزار نکته باریک‌تراز مופیداست!

۱. حشر / ۸: للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم ینتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون. در این آیه مؤمنان محرومی که علی رغم همه مشکلات، استقامت به خرج دادند و از خانه و اموال خود بیرون رانده شدند، و جز رضای خدا و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله هدفی نداشتند، به عنوان صادقان معرفی شده‌اند.

۲. نافع از عبدالله بن عمر در تفسیر آیه چنین نقل می‌کند که خداوند نخست به مسلمانان دستور داد که از خدا بترسند، سپس فرمود: کونوا مع الصادقین یعنی مع محمد و اهلبیته (با پیامبر اسلام و خاندانش) تفسیر نمونه، جلد ۵، صفحه ۳۹۰.

۳. عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال: سئلته عن قول الله عزوجل «اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» قال: الصادقون هم الائمة و الصدیقون بطاعتهم؛

از امام رضا در مورد قول خداوند که می‌فرماید «اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» سوال کردم، ایشان فرمود: صادقان ائمه و کسانی که در اطاعت آنها صادق هستند می‌باشند. عروسی حویزی، نورالثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ج ۲، ص ۲۸۰.



## صابران و انتظار

صبر و بردباری در مسیر تحقق آرمان‌های بزرگ، از فضائل انسانهای متعهدی است که تلاش می‌کنند تا نظم نوینی را مستقر سازند که کم‌ترین بهای آن تحمل سختی‌ها و رنج‌ها در این راه است.

این کوه‌های سربه فلک کشیده‌اند که سرماها و گرماها و طوفان‌ها و زلزله‌ها در آن‌ها اثر نداشته و سالیان و قرن‌ها، استوار و نستوه ایستاده‌اند. این صابران مقاوم در دوران پرازمون غیبت‌اند که پیروزان انتظارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انتظار الفرج بالصبر عبادة»<sup>۱</sup> انتظار فرج با صبر، عبادت است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: أفضلُ العبادةِ الصبرُ والصمتُ و انتظارُ الفرجِ.<sup>۲</sup> برترین عبادت‌ها، صبر، خاموشی و انتظار فرج می‌باشد و فرمودند: أوَّلُ العبادةِ إِنْتِظارُ الفرجِ بِالصَّبْرِ،<sup>۳</sup> صبورانه چشم‌داشتن به گشایش، برترین عبادت است و نیز: «أفضلُ العبادةِ الصبرُ و انتظارُ الفرجِ».<sup>۴</sup>

سالار شهیدان نیز فرمود: «له غيبة يرتد فيها اقوام و يثبت فيها على الدين آخرون، فيؤذون و يقال لهم: «متى هذا الوعد ان كنتم صادقين» اما ان الصابر في غيبته على الاذی و التكذيب بمنزلة المجاهد بالسيف بين یدی رسول الله.<sup>۵</sup>

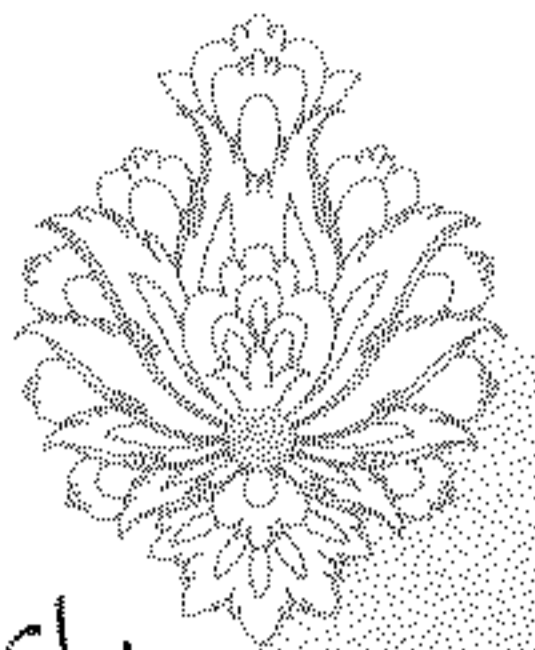
۱. نهج الفصاحه.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۰.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۲۵۷.

۴. تحف العقول: ۲۰۱.

۵. کمال الدین: ۱/ ۳۱۷ ح ۳.



برای او [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] غیبتی است که اقوامی در آن از دین خارج شوند و گروهی بر دین ثابت قدم بمانند و آزار و اذیت می‌کشند و به آن‌ها گفته می‌شود:

این وعده [ظهور] چه وقت عملی می‌شود، اگر راست می‌گویید؟

بی‌تردید صبرکننده در زمان غیبت در برابر آزار و تکذیب [مخالفان]، به منزله جهادکننده با شمشیر در رکاب رسول خداست.

امام باقر علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه (اصبروا وصابروا و رابطوا) فرمودند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ، وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ، وَ رَابِطُوا أَمَامَكُمْ الْمُنتَظَرِ صَبْرًا كُنَيْدًا بِرِغْزَارِدِنِ أَحْكَامِ شَرْعٍ وَ شَكِيبَايِي وَرَزِيدٍ دَرِ بَرَابَرِ دَشْمَنْتَانِ وَ آمَادِهِ وَ حَاضِرِ يَرِاقٍ بَاشِيدٍ بَرَايِ أَمَامَتَانِ كِهْ دَرِ اَنْتِظَارِ اَوْ هَسْتِيدِ.

امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «ما احسن الصبر و انتظار فرج،<sup>۱</sup> چه نیکوست شکیبائی و انتظار فرج.»

امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سیاتی قوم من بعدکم، الرجل الواحد منهم له اجر خمسين منکم، قالوا: یا رسول الله! نحن کنا معک ببدر و احد و حنین و نزل فینا القرآن؟ فقال: انکم لو تحملوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم.»

پس از شما کسانی بیایند که یک نفر از ایشان پاداش پنجاه نفر از شما را داشته باشد. [اصحاب] گفتند: ای

۱. غیبه النعمانی، ینابیع الموده.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵.

رسول خدا ﷺ! ما در جنگ بدر و احد و حنین با تو بودیم و درباره ما آیه نازل شده است؟ پیامبر ﷺ فرمود: اگر آنچه [از حوادث ایام] به ایشان می‌رسد، به شما رسد، صبر آنان را ندارید.<sup>۱</sup>

در یکی از زیارات عصر غیبت نیز این فراز حماسی را آورده که نشان صابران منتظر است:

فلو تطاولت الدهور، و تمادت الاعمار، لم ازدد فيك الا يقينا، و لك الاحبا و عليك الامتلا و معتمدا، و لظهورك الامتوقعا و منتظرا و لجهادی بين يدك مترقبا...<sup>۲</sup>

...اگر روزگاران به دراز کشد و عمر طولانی شود، یقینم به تو افزون گردد، و دوستیم فزونی یابد، و بر تو (بیش از پیش) تکیه کنم و مدد بخواهم، و چشم به ظهورت دارم و منتظرم، و آماده جهاد در راه توام ...

۱. بحار الأنوار - العلامة المجلسی ج ۵۲ ص ۱۳۰.

۲. بحار الأنوار ج ۹۵ ص ۱۱۷ عن المزار الكبير ص ۱۹۶-۱۹۴ و مزار الشهيد ص ۶۴-۶۲.



## غیبت و مسئولیت عالمان

همان گونه که علم بالاترین ارزش و عالمان دارای بلندترین رتبه هستند مسئولیت عالمان نیز بسیار سترگ است.

عالم کسی است که به معرفت اصول و فروع اعتقادی دست یافته و راه مستقیم را از کژراهه تشخیص داده و می‌تواند منحرفان و شبهه‌داران و متزلزلان و بی‌خبران و افتادگان در وادی ضلالت در دوران فتنه را دستگیری نموده و در پرتو دانش و بینش خود آنان را هدایت نماید.

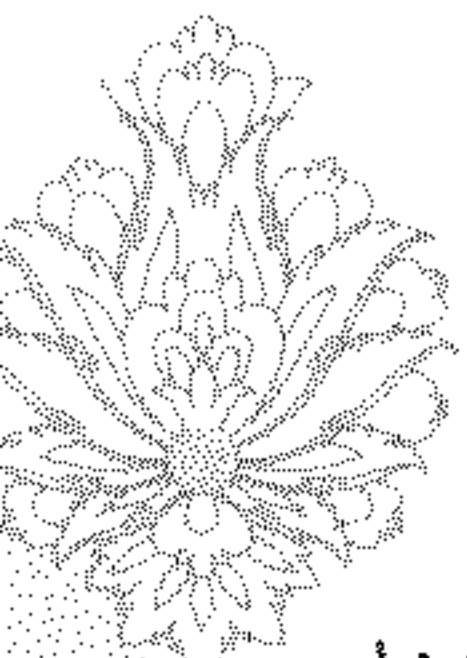
هرکس به چنین جایگاهی رسیده در هر لباس و موقعیتی که هست باید به مسئولیت خویش عمل کند. در دوران غیبت که امواج فتنه و ضلالت فراگیرتر است مسئولیت عالمان و مرزبانان نیز سنگین‌تر است.

حضرت عسکری علیه السلام از پدر گرانقدرش حضرت هادی علیه السلام در بیانی جاودانه این عالمان را برترین انسانها شمرده و این چنین فرمودند:

اگر پس از غیبت قائم آل محمد علیهم السلام، از عالمان کسی باقی نمی‌ماند که به سوی خدا دعوت، و راهنمایی کند، و با [براهین و] حجج الهی از دینش دفاع کند، و بندگان ناتوان خدا را از دامهای ابلیس و سرکشان، و از تله‌های نواصب برهاند، همه از دین خدا برمی‌گشتند، ولی این عالمان زمام دل‌های شیعیان ناتوان را [در دریای توفانی جهل و ظلم]، همچون ناخدای سکاندار کشتی در دست دارند، ایشان نزد خدای سبحان برترین منزلت را دارند.<sup>۱</sup> و در روایت دیگری نیز که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است می‌خوانیم:

علمای شیعه در مرزهایی که شیطان و ایادی او در پشت آنها کمین کرده‌اند پاسداری داده و آنها را از اینکه بر

۱. الاحتجاج، ج ۱، ص ۹.



شیعیان ناتوان هجوم برند باز می‌دارند و اجازه نمی‌دهند که شیطان و پیروان او و دشمنان اهل بیت بر ضعفای شیعه تسلط یابند پس هر کس از شیعیان ما که برای این موضوع نصب شود، از کسانی که در جهادند هزار هزار مرتبه برتر است؛ زیرا او از ادیان شیعیان و دوستداران ما دفاع می‌کند و آن از بدنهای آنها.<sup>۱</sup>

همچنین در روایتی از امام جواد علیه السلام وظایف علمای دین به هنگام غیبت امام از جامعه چنین بیان شده است:

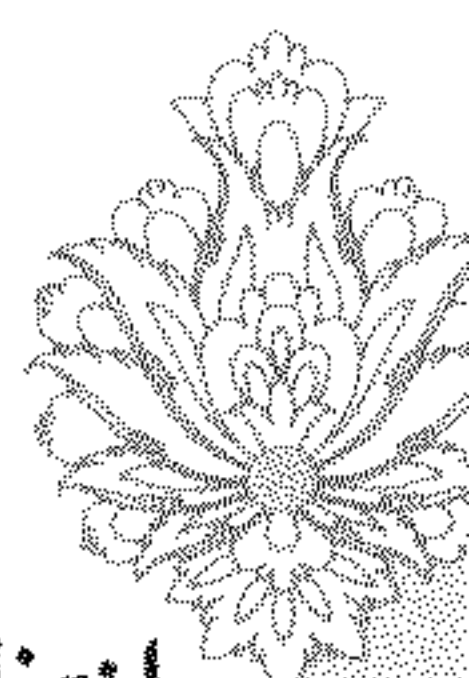
کسی که سرپرستی یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله را که از امام خود دور افتاده، در نادانی خویش سرگردان مانده و در دستان شیاطین و دشمنان اهل بیت گرفتار آمده‌اند، به عهده گیرد و آنها را از چنگال دشمنان رهایی بخشد و از حیرت و جهالت خارج سازد و وسوسه‌های شیاطین را از آنها دور کند، و با دلایل پروردگارشان و برهان‌های امامانشان دشمنان اهل بیت را مقهور سازد، تا عهد خدا بر بندگانش را به بهترین شکل حفظ نماید، در نزد خداوند بر عابدی که در بهترین مواقع به عبادت پرداخته، برتری دارد؛ بیشتر از آنچه آسمان بر زمین، و عرش و کرسی و حجابها بر آسمان برتری دارند. برتری او بر چنین عابدی مانند برتری ماه شب چهارده بر کوچک‌ترین ستاره آسمان است.<sup>۲</sup>

قطعاً اگر عالمان دین وظیفه و تکلیفی را که در برابر حجت خدا برعهده دارند، چنانکه باید و شاید، عمل کنند و مسؤولیت خود در زمینه تبیین، ترویج و تبلیغ باور مهدوی و فرهنگ انتظار، آن‌گونه که شایسته است، به انجام رسانند می‌توان امیدوار بود که جامعه ما در پرتو گسترش و تعمیق این باور و فرهنگ، اولاً در برابر همه تهدیدها و توطئه‌ها پایداری ورزد و ثانیاً به آمادگی بیشتری برای استقبال از آن پیک خجسته عدالت و رستگاری یعنی ساحت قدسی مهدوی ارواحنا فداه دست یابد...<sup>۳</sup>

۱. همان. ص ۱۳.

۲. همان. ص ۱۴ و ۱۵.

۳. ر.ک. مقاله "مرزداران حریم تفکر شیعی" ابراهیم شفیعی سروستانی.



## انتظار و مدیریت

مدیریت، دانش باشد یا هنر یا مهارت یا همه این‌ها، ضرورتش برای ساماندهی امکانات و منابع به منظور وصول به اهداف، بر هیچ‌کس پوشیده نیست... به عبارت دیگر مدیریت امکانات و منابع (اعم از منابع انسانی، مالی و تجهیزات و زمان) و تخصیص و توزیع آنها به بهترین شیوه برای افزایش بهره‌وری در جهت رسیدن به اهداف، وظیفه همه اشخاص و سازمان‌های هدف محور است. اصلاح یا دگرگونی وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب بدون برنامه و مدیریت میسر نمی‌شود. گذار موفقیت‌آمیز فردی یا جمعی در شرایط دشوار عصر غیبت و بویژه در مصاف با دشمنان و مخالفان و افزایش توان خود از حیث منابع انسانی، جز با مدیریتی خرد مدار و تجربه گرا و علم بنیان به دست نمی‌آید.

ساماندهی نیروهای پراکنده و متفرق و آموزش و توجیه و تجهیز آنها برای مقابله با دشمنانی که با همه توان مدیریتی و رزمی به میدان آمده و به هر وسیله‌ای برای تخریب رقیب مجهزند وظیفه منتظران آفتاب مهدوی برای رسیدن به آرمان عدالت و ایمان و مدینه فاضله انسانی است. مگر می‌شود در زمانه دشوار غیبت و هنگامه هجومه همه دشمنان و معاندان به ارزش‌های الهی با پشتیبانی همه جانبه شیاطین، بدون برنامه و بدون مدیریت صحیح منابع به توفیقی دست یافت؟

